



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



حضرت سید الشهداء

علیه السلام

امام حسین

مصباح ہدایت

حضرت آیت، ۱۴۱۱ھ، المکتبۃ الاسلامیہ، مدینہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عاشورائیان

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

انتشارات حضرت معصومه (سلام الله علیها)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

.....	فهرست	۵
.....	عاشورائیان	۱۰
.....	مشخصات کتاب	۱۰
.....	مقدمه	۱۰
.....	فصل اول: سیمای درخشان حضرت سید الشهداء علیه السلام در قرآن	۱۱
.....	۱. آیه مودّت	۱۱
.....	۲. آیه تطهیر	۱۱
.....	۳. آیه مباحله	۱۱
.....	فصل دوم: سیمای حضرت سید الشهداء علیه السلام در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله	۱۲
.....	۱. حسین، سید جوانان اهل بهشت	۱۲
.....	۲. حسین، محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله	۱۲
.....	۳. حسین، ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله	۱۲
.....	۴. حسین شبیه ترین اهل بیت به پیامبر صلی الله علیه و آله	۱۳
.....	۵. پیامبر صلی الله علیه و آله حسین علیه السلام را می بوسید	۱۳
.....	۶. پیامبر صلی الله علیه و آله حسین را به دوش می گرفت	۱۳
.....	۷. دوستی حسین علیه السلام واجب است	۱۳
.....	۸. فضیلت دوستی حسین علیه السلام و نکوهش دشمنی با آن حضرت	۱۳
.....	۹. نظر نمودن به آقای جوانان اهل بهشت	۱۴
.....	۱۰. دوستان حسین علیه السلام اهل بهشتند	۱۴
.....	۱۱. درجه وسیله	۱۴
.....	۱۲. حسین علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در یک مکان	۱۴
.....	۱۳. یاری حسین علیه السلام از واجبات است	۱۴
.....	۱۴. اول کسی که وارد بهشت می شود	۱۵

۱۵. حضرت قائم آل محمّد از فرزندان حسین علیه السلام است ۱۵
۱۶. حضرت قائم نهمین فرزند حسین علیه السلام است ۱۵
۱۷. شاخه و میوه درخت ثبوت ۱۵
۱۸. ودیعه پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۵
۱۹. دعای پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۶
۲۰. اشتقاق نام حسین علیه السلام از نام خدای تعالی ۱۶
۲۱. ارث حسنین از پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۶
- فصل سوم: مکارم اخلاق حضرت سید الشهداء علیه السلام ۱۷
۱. علم حضرت سیدالشهداء علیه السلام ۱۷
۲. عبادت حضرت سیدالشهداء علیه السلام ۱۷
۳. سخاوت حضرت سید الشهداء علیه السلام ۱۷
۴. ادب و عاطفه حضرت سید الشهداء علیه السلام ۱۸
۵. عدالتخواهی حضرت سید الشهداء علیه السلام ۱۸
۶. زهد حضرت سید الشهداء علیه السلام ۱۹
۷. تواضع و فروتنی حضرت سید الشهداء علیه السلام ۱۹
۸. ایمان خالص و استوار حضرت سید الشهداء علیه السلام ۲۰
۹. شجاعت حضرت سید الشهداء علیه السلام ۲۱
۱۰. عظمت‌های حضرت سید الشهداء علیه السلام ۲۲
- عظمت در تصمیم ۲۲
- عظمت در مردانگی ۲۲
۱۱. صبر و شکیبائی حضرت سید الشهداء علیه السلام ۲۳
- اشاره ۲۳
- صبر در جهاد ۲۳
- صبر در مصیبت جوانان و برادران و اصحاب ۲۳

- ۲۴ صبر در غضب و خشم
- ۲۴ صبر در تشنگی
- ۲۴ صبر در اطاعت فرمان خدا
- ۲۵ فصل چهارم: پیشگویی از شهادت حضرت سید الشهداء علیه السلام
- ۲۵ اشاره
- ۲۵ بنی امیه
- ۲۵ ابوسفیان
- ۲۶ معاویه بن ابی سفیان (پدر یزید)
- ۲۷ میگساری معاویه
- ۲۷ یزید کیست؟
- ۲۸ فصل پنجم: علل قیام حضرت سیدالشهداء علیه السلام
- ۲۸ اشاره
- ۲۸ ۱. اطاعت فرمان خدا و ادای تکلیف
- ۲۸ ۲. امر به معروف و نهی از منکر
- ۲۹ ۳. فساد زمامدار و دستگاه خلافت
- ۲۹ ۴. خطر ارتجاع و بازگشت به عصر شرک و بت پرستی و جاهلیت
- ۲۹ ۵. نداشتن تأمین جانی
- ۲۹ فصل ششم: نتایج قیام حضرت سید الشهداء علیه السلام
- ۲۹ ۱. تقرب و ارتقاء درجه
- ۳۰ ۲. نجات اسلام
- ۳۰ ۳. بیداری شعور دینی
- ۳۰ ۴. محبوبیت اهل بیت و عزت بازماندگان
- ۳۰ ۵. محکومیت بنی امیه در افکار مسلمین و سایر ملل
- ۳۰ ۶. گرفتاری بنی امیه به شورش و انقلاب

۷. تحوّل فکری ۳۱
۸. عکس العمل جاودان و پایدار ۳۱
۹. تأسیس مکتب عالی و همگانی تعلیم و تربیت ۳۱
- فصل هفتم: قسمتی از پیام حضرت آیت الله العظمی صافی‌به همایش سراسری مداحان ۳۲
- فصل هشتم: احکام عزاداری ۳۳
- مدح اهل بیت ۳۳
- اشاره ۳۳
- مدّاحی ۳۳
- سرودن شعر در عزاداری ۳۳
- استفاده از منابع تاریخی در عزاداری ۳۳
- دریافت وجه در عزاداری ۳۴
- خواندن روضه های بی اساس ۳۴
- گریه در عزاداری ۳۴
- صدای گریه بانوان ۳۴
- گریبان چاک زدن در عزاداری ۳۴
- خراشیدن صورت در عزاداری ۳۵
- پا برهنه راه رفتن در عزاداری ۳۵
- علامت کشی و چهل چراغ کشی در عزاداری ۳۵
- برداشتن نخل در عزاداری ۳۵
- سینه زنی ۳۵
- شمع روشن کردن در شام غریبان ۳۶
- پوشیدن لباس مشکی در عزاداری ۳۶
- نذورات عزاداری ۳۶
- رفتار محترمانه با عزاداران ۳۶

- استفاده از عکس و پوستر منسوب به ائمه علیهم السلام در عزاداری ۳۶
- قضاء شدن نماز و عزاداری ۳۷
- اقامة نماز جماعت در حین عزاداری ۳۷
- تهیه ضریح برای عزاداری ۳۷
- حضور زنان در عزاداری ۳۷
- ایجاد ترافیک با عزاداری ۳۷
- عزاداری و اذیت همسایگان ۳۷
- تغییر در نحوه‌ی عزاداری ۳۸
- تعزیه خوانی ۳۸
- آلات موسیقی در عزاداری ۳۸
- شب عاشورا ۳۸
- نور چشمان زهرا ۴۰
- درباره مرکز ۴۳

عاشورائیان

مشخصات کتاب

سرشناسه: صافی، لطف‌الله، - ۱۲۹۷

عنوان و نام پدیدآور: عاشورائیان/تالیف لطف‌الله صافی گلپایگانی

مشخصات نشر: قم: موسسه انتشارات حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها، ۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری: ص ۴۷۲

شابک: ۹۶۴-۶۱۹۷-۳۳-۷۱۶۰۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۶۱۹۷-۳۳-۷۱۶۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرست‌نویسی قبلی

یادداشت: کتاب حاضر در سال ۱۳۵۵ تحت عنوان "عاشورائیان" توسط انتشارات صدر منتشر شده است

یادداشت: کتابنامه: ص. ۴۶۴ - ۴۶۱

عنوان دیگر: عاشورائیان

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ق ۶۱ - ۴

رده بندی کنگره: BP۴۱/۴/ص ۲پ ۴ ۱۳۷۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۹-۴۳۴۲

مقدمه

وجود نازنین حضرت سید الشهداء خامس آل عبا (ع) مظهر کامل همه زیبایی‌ها و دلربایی‌هاست. آن حضرت حقیقتی بزرگ است که مردمان گیتی در برابر عظمت روح و علو همت او سر تسلیم فرود آورده و خضوع کرده‌اند. بی‌تردید در نهضت حسینی کمال عبودیت، سلم محض و اطاعت بی‌چون و چرا از احکام الهی و اوج اُتصاف به مکارم اخلاق و فضایل انسانی را می‌توان یافت. عاشورا مدرسه عشق، ایثار و جانفشانی در راه حفظ دین و ادای تکلیف شرعی و کربلا کعبه‌ی آمال و مجمع اسوه‌های کمال برای اقشار مختلف جامعه اسلامی است. روز حسین، روزی شد که هرگز گذشت ازمنه و اعصار، آن را از یاد نخواهد برد. میدان کربلا میدان نبردی بود که صحنه جهاد و جنگ همان زمین کربلا نبود و نبرد تنها، نبرد آن اشخاصی که در آنجا با هم روبرو شدند نبود، بلکه نبرد، نبرد حق و باطل و اسلام و کفر بود و اگر اهل حق عقب‌نشینی می‌کردند، عقب‌نشینی آنها در همانجا و در آن روز به پایان نمی‌رسید و برای آیندگان و نسل‌های آتیه آثار خطرناک و مایوس‌کننده داشت؛ زیرا تماشاکنندگان آن صحنه‌ی خونین، تنها مردم دنیای معاصر آنها و مسلمان‌های آن زمان نبودند بلکه تماشاگران آن صحنه، تمام ملل اسلام و توده‌های مظلوم و محروم و در مرور اعصار بوده و هستند، لذا حسین علیه‌السلام و یارانش آن استقامت عجیب و حیرت‌افزا را در آن میدان بلا نشان دادند و دشمن بدن‌های پاک آنها را پاره پاره ساخت ولی بر روح و اراده و نیت و هدف آنها دست نیافت. امام حسین علیه‌السلام شخصیتی فرامکتبی است و در میان شیفتگان عظمت امام حسین علیه‌السلام از پیروان ادیان مختلف و ملیت‌های گوناگون می‌توان دریافت که هر کدام جذب جلوه‌هایی از مکارم بی‌نظیر شخصیت ممتاز آن حضرت شده‌اند. در این نوشتار به فضائل و مکارم اخلاقی و علل و نتایج قیام آن حضرت اشاره خواهد شد.

محرم الحرام ۱۴۳۰

لطف الله صافی

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۹

فصل اول: سیمای درخشان حضرت سید الشهداء علیه السلام در قرآن

۱. آیه مودت

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (شوری / ۲۳)

بگو من از شما اجر رسالت نمی‌خواهم جز مودت و دوستی خویشاوندانم.

آنگاه که آیه (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ...) نازل شد، گفتند: ای پیامبر خدا! کیستند این خویشاوندان تو، که واجب گردیده بر ما مودت و دوستی آنان؟ فرمود: علی و فاطمه و دو پسر آنها.

شافعی گفته است:

يَا أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ فَرَضٌ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ
كَفَاؤُكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْقَدْرِ أَنْكُمْ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَوةَ لَهُ

«ای خاندان پیامبر! محبت شما فریضه‌ای است که خداوند در قرآن نازل کرده است، همین قدر در عظمت شما کافی است که اگر کسی بر شما (در نماز) صلوات نفرستد، نمازش باطل است.»

۲. آیه تطهیر

أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (احزاب / ۳۳)

همانا خدا چنین می‌خواهد که رجز و هر آرایش را از شما خانواده نبوت ببرد.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۰

و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند.

بر حسب احادیث متواتر و مشهور بین شیعه و سنی آیه تطهیر در مورد اجتماع آن پنج شخصیت ممتاز عالم آفرینش در زیر کساء، و دعاء و صلوات پیامبر صلی الله علیه و آله بر آنها که دفعات متعدد در منزل پیامبر صلی الله علیه و آله و در خانه فاطمه زهرا سلام الله علیها و در حجره ام‌سلمه، و بعضی اماکن دیگر اتفاق افتاد، نازل شد و آیه شریفه و احادیثی که در تفسیر آن وارد شده دلالت بر عصمت و جلالت شأن حضرت سیدالشهداء علیه السلام دارند.

پس پیامبر زیادتى کسرا گرفت و آنها را با آن پوشانید. سپس دستش را بیرون آورد و اشاره به آسمان کرد و گفت:

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي، وَحَامَتِي (أَي خَاصَّتِي) فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً

خدایا اینان اهل بیت و خاصان من هستند پس از ایشان هر رجز و آرایش را دور گردان، و ایشان را پاکیزه کن پاکیزه کردنی.

۳. آیه مباحله

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعِيدٍ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ ابْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (آل عمران ۶۱)

از جمله آیاتی که بر فضیلت و بلندی رتبه و مقام سیدالشهداء علیه السلام به اتفاق مسلمانان گویا و ناطق است آیه مباحله است. شرکت دادن علی و حسن و حسین و فاطمه زهرا سلام الله علیها در مباحله که به تعیین و امر خداوند بود نیز دلیل بر این است که این چهار نور مقدس که با پیامبر در مباحله حاضر شدند، شایسته‌ترین و گرامی‌ترین خلق در نزد خدا، و عزیزترین همه در نزد پیامبر خدا بوده‌اند. آیه‌ی مباحله اعلان جلال مقام، و تقرب خاص آنها به خداوند متعال است. پس این فضیلت برای امام حسین علیه السلام از فضایل بسیار بزرگی است که در چنین مراسم با اهمیت و تاریخی، همکار و همراه پیامبر شود، و از میان تمام امت از صغیر و کبیر و زن و مرد، او و پدر و مادر و برادرش را خدا انتخاب نماید. حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۱

فصل دوم: سیمای حضرت سید الشهداء علیه السلام در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. حسین، سید جوانان اهل بهشت

پیامبر صلی الله علیه و آله مکرر حسن و حسین را به این صفت معرفی فرموده:

الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ

حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت‌اند.

و در بعضی روایات این جمله نیز مذکور است:

وَأَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا

و پدرشان از آنها بهتر است.

۲. حسین، محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله

حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ

رسول خدا صلی الله علیه و آله، حسن و حسین علیهم السلام را بسیار دوست می‌داشت، و نسبت به آنها فوق العاده اظهار علاقه و عطوفت می‌کرد.

روایات و تواریخ بر این اتفاق دارند که آن حضرت علی و فاطمه و حسنین علیهما السلام را از تمام مردم و کسان و نزدیکان خود بیشتر دوست می‌داشت و دوستی آنها یک دوستی ساده پدر نسبت به فرزند نبود؛ بلکه ریشه آن بر علائق و مبانی عمیق و یگانگی روحی استوار، و رمز یک اتحاد و اتصال ناگسستنی معنوی و توافق کامل فکری بود که تعبیر فرمود:

أَنْهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ

ایشان از من هستند، و من از ایشان، اشاره‌ای به آن می‌باشد.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۲

۳. حسین، ربحانه پیامبر صلی الله علیه و آله

حضرت علی علیه السلام، ابن عمر، ابوهریره، سعیدبن راشد، و ابوبکره روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ هُمَا رِيحَانَتَايَ مِنَ الدُّنْيَا

حسین و حسین دو ریحانه من از دنیا هستند.

۴. حسین شبیه ترین اهل بیت به پیامبر صلی الله علیه و آله

وقتی سر حسین بن علی علیه السلام را نزد عیدالله بن زیاد آوردند سر مطهر را در طشتی قرار داد، و با شمشیر یا چوب دستی خود بر آن چشم و بینی نازنین می‌زد، و می‌گفت روئی به این زیبایی ندیده‌ام. انس بن مالک گفت: آگاه باش که او شبیه پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

۵. پیامبر صلی الله علیه و آله حسین علیه السلام را می‌بوسید

یکی از مظاهر محبت و عاطفه پدر و مادر نسبت به فرزند، بوسیدن او است. در جاهلیت، و پیش از ظهور آفتاب درخشان هدایت اسلام ارزش عاطفه و احساسات پاک انسانی مخصوصاً در عرب‌ها از میان رفته بود. رَحْم، مَهْر، رَأْفَت، رَحْمَت و رَقَّتْ قلب را یک نوع ضعف نفس شمرده، و سخت دلی را افتخار می‌دانستند، پیامبر صلی الله علیه و آله حسین را به آن بوسه شیرین و لذیذ می‌بوسید چون جانفش گنجینه معانی و حقایق بزرگ بود، و آنگاه که می‌فرمود:

اللَّهُمَّ احْبِبَّهُ فَإِنِّي احِبُّهُ

خدایا او را دوست بدار چون من او را دوست می‌دارم.

گوئی در حالی که به حسین اشاره می‌کرد به مردم می‌فرمود:

أَنَا هُنَا

من اینجا هستم. (یعنی مرا پیش حسین بجوئید).

۶. پیامبر صلی الله علیه و آله حسین را به دوش می‌گرفت

ابوسعید در «شرف النبوه» روایت نموده که پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود که

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۳

حسن و حسین بسوی او آمدند چون پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را دید برای ایشان برخاست، و آمدنشان را دیر شمرد (یعنی فرمود دیر آمدید یا چرا دیر آمدید؟) پس از آنها استقبال کرد، و آنها را بر دوش خود گذارد و فرمود:

نِعْمَ الْمَطِيُّ مَطِيَّتُكُمَا، وَ نِعْمَ الرَّاَكِبَانِ اِنَّمَا

خوب مرکبی است مرکب شما، و خوب سوارهایی هستید شما

۷. دوستی حسین علیه السلام واجب است

احادیث در وجوب دوستی و مودت حسین علیه السلام متواتر است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ احْبَبَنِي فَلْيَحِبَّ هَذَا

هر کس مرا دوست دارد باید این دو را (نیز) دوست بدارد.

۸. فضیلت دوستی حسین علیه السلام و نکوهش دشمنی با آن حضرت

پیامبر اکرم (ص)

فرمود:

مَنْ أَحَبَّ الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ ابْتَعْضَهُمَا فَقَدْ ابْتَعْضَنِي

هر کس حسن و حسین را دوست بدارد همانا مرا دوست داشته و هر کس آنها را دشمن بدارد پس البته مرا دشمن داشته است.

۹. نظر نمودن به آقای جوانان اهل بهشت

از جابر انصاری روایت کرده اند که گفت:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَنْ أَحَبَّ (أَوْ مِنْ سِرَّهُ) أَنْ يُنْظَرَ إِلَى سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا.

هر کس دوست می‌دارد یا شادمان می‌شود که به سید جوانان اهل بهشت نگاه کند به حسین علیه السلام نگاه کند.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۴

۱۰. دوستان حسین علیه السلام اهل بهشتند

از پیامبر صلی الله علیه و آله در فضایل حسنین علیهم السلام روایت شده که در پایان آن می‌فرماید: «خدایا تو می‌دانی که حسن و حسین و عمو و عمه ایشان در بهشتند، هر کس آنها را دوست دارد در بهشت است، و هر کس آنها را دشمن بدارد در آتش است».

۱۱. درجه وسیله

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةٌ تُدْعَى الْوَسِيلَةَ فَإِذَا سَأَلْتُمْ اللَّهَ فَاسْأَلُوا إِلَى الْوَسِيلَةِ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ يَسْكُنُ مَعَكَ فِيهَا؟ قَالَ: عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ

فرمود: در بهشت درجه‌ای است که وسیله خوانده می‌شود پس هر گاه از خدا سؤال کردید پس وسیله را برای من سؤال کنید. گفتند یا رسول الله چه کسی با تو در آن درجه ساکن می‌گردد؟ فرمود: علی و فاطمه و حسن و حسین.

۱۲. حسین علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در یک مکان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أَنَا وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي قُبَّةٍ تَحْتَ الْعَرْشِ مِنْ، عَلِيٍّ، فَاطِمَةَ، حَسَنٍ وَحُسَيْنٍ فِي قُبَّةٍ تَحْتَ الْعَرْشِ هَسْتِيم.

۱۳. یاری حسین علیه السلام از واجبات است

پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که حسین

در دامانش بود می‌فرمود:

إِنَّ ابْنِي هَذَا يُقْتَلُ فِي أَرْضٍ يُقَالُ لَهَا الْعِرَاقُ فَمَنْ أَدْرَكَهُ فَلْيَنْصُرْهُ

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۵

به درستی که این پسر در زمینی که به آن عراق گفته می‌شود کشته می‌شود پس هر کس او را درک کند باید یاریش کند.

۱۴. اول کسی که وارد بهشت می‌شود

از حضرت علی علیه السلام روایت کرده‌اند که پیامبر به او فرمود:

إِن أَوَّلَ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَنَا وَأَنْتَ وَفَاطِمَةُ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ قَالَ عَلِيٌّ: فَمَجَّبُونَا قَالَ: مِنْ وَرَائِكُمْ
اول کسی که داخل بهشت می‌شود من، تو، فاطمه، حسن و حسین هستیم.
حضرت علی عرض کرد پس دوستان ما؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به دنبال سر شما وارد می‌شوند.

۱۵. حضرت قائم آل محمد از فرزندان حسین علیه السلام است

حذیفه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ وَلَدِي إِسْمُهُ كِاسِمِي فَقَالَ سَلْمَانُ: مِنْ أَيِّ وَلَدِكَ يَا رَسُولَ
الله؟ قَالَ: مِنْ وَلَدِي هَذَا وَهَذَا وَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى الْحُسَيْنِ
اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز خدا آن روز را طولانی سازد تا مردی از فرزندانم را برانگیزد که هم نام من است. آنگاه سلمان
عرض کرد: از کدام فرزندان توست یا رسول الله؟ فرمود: از این فرزندم! و دستش را بر حسین زد.

۱۶. حضرت قائم نهمین فرزند حسین علیه السلام است

از سلمان روایت است که گفت: وارد شدم بر پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که حسین بر زانوی مرحمت او بود. پیامبر به او
روی می‌کرد و دهان او را می‌بوسید، و می‌فرمود:

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۶

تو آقا، پسر آقا و پدر آقایانی، تو امام، پسر امام، پدر امامانی، تو حجّت، پسر حجّت، پدر حجّت‌های نه‌گانه‌ای که از صُلب تو هستند
نهمین ایشان قائم آنها است.

۱۷. شاخه و میوه درخت نبوت

از جابر روایت کرده‌اند که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله در عرفات بود و علی روبروی آن حضرت بود. پیامبر اشاره فرمود به من
و علی، خدمت او رفتیم پس فرمود:

یا علی! نزدیک من بیا، علی نزدیک رفت، فرمود: دستت را در دست من بگذار! پس فرمود: «یا علی! من و تو از یک درختیم من
اصل و ریشه آن، و تو فرع آن؛ و حسن و حسین شاخه‌های آن، هرکس به یکی از شاخه‌های آن متعلق گردد خدا او را داخل بهشت
نماید».

«یا علی! اگر امت من روزه بگیرند به قدری که مثل کمان‌ها خمیده شوند و نماز بخوانند به قدری که مثل میخ‌ها خشک و
بی‌حرکت گردند و تو را دشمن بدانند خداوند آنها را به رو در آتش اندازد».

۱۸. ودیعه پیامبر صلی الله علیه و آله

شیراوی و سبط ابن الجوزی نقل کرده‌اند که وقتی زید بن ارقم به ابن زیاد اعتراض کرد، و گفت: من در زمانی طولانی می‌دیدم پیامبر صلی الله علیه و آله میان این دو لب را می‌بوسید، زید گریست، و ابن زیاد با او درشتی کرد، و او را به کشتن تهدید نمود و گفت: اگر پیر خرفتی نبودی گردنت را می‌زدم.

زید برگشت و به ابن زیاد گفت: حدیثی برای تو بگویم که خشم تو از آن بیشتر شود: دیدم پیامبر صلی الله علیه و آله حسن را بر ران راستش نشاند، و حسین را بر ران چپ. پس دست خود را بر سر آنها گذارد، و گفت:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّ عُمَهُمَا أَيَّاكَ وَصَالِحَ الْمُؤْمِنِينَ

خدایا من این دو و صالح المؤمنین (علی) را نزد تو ودیعه و سپرده گذاردم.

پس ودیعه رسول خدا در نزد تو چگونه است ای پسر زیاد؟ ابن زیاد در خشم شد، و تصمیم به قتل زید گرفت. و نیز سیوطی و مناوی از طبرانی این دعاء را از پیامبر

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۷

صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند.

۱۹. دعای پیامبر صلی الله علیه و آله

طبرانی از واثله روایت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله اینگونه در حق علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام دعا کرد:

وَرِضْوَانِكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ (یعنی: عَلِيًّا، وَفَاطِمَةَ، وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا)

خوشنودیت را بر من و بر آنها.

۲۰. اشتقاق نام حسین علیه السلام از نام خدای تعالی

سلمان فارسی در ضمن حدیثی روایت می‌کند، که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند از برای ما نام‌هایی از نام‌های خودش مشتق ساخت پس خداوند عَزَّوَجَلَّ محمود است، و من محمدم، و خداوند اعلی است، و برادرم علی است، و خداوند فاطر است، و دخترم فاطمه است، و خداوند محسن است و دو پسر من حسن و حسین می‌باشند.

۲۱. ارث حسنین از پیامبر صلی الله علیه و آله

حسن و حسین علیهم السلام وارث کمالات علمی، روحی، اخلاقی، و جسمی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. مردم در سیما و رفتار و روش آنها پیامبر را می‌دیدند، و عظمت و روحانیت او را تماشا می‌کردند. چنانکه مکرر گفته شد وجود پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به حسنین علیهم السلام کانون مهر، اشفاق، نوازش، لطف، و رحمت پدرانه بود. آنها را دوست می‌داشت و می‌بوئید و می‌بوسید، و زبانشان را می‌مکید، بر دوش مبارک خویش سوارشان می‌کرد. شخصاً از آنها پرستاری می‌فرمود. آنها را پسر خود می‌خواند. از گریه‌ی آنها ناراحت می‌شد. آنها را روی سینه خود می‌خوابانید. از شنیدن اسمشان لذت می‌برد. در کوچه، در خانه، در مسجد، در حضور صحابه و مردم، در هنگام سخنرانی، خطبه و در حال نماز، حسنین علیهم السلام مشمول مراسم مخصوص پیامبر بودند.

بر حسب روایات متعدد که در کتابهای معتبر نقل شده فاطمه زهرا سلام الله علیها در

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۸

مرض موت پدرش، حسن و حسین را نزد آن حضرت آورد، و عرض کرد: یا رسول الله این دو پسران تو هستند آنها را به بخشش و

عطائی مخصوص فرما، یا به آنها چیزی به ارث عطا کن! پیامبر فرمود: به حسن عظمت و بردباری می‌بخشم، و به حسین جود و مهربانی.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۱۹

فصل سوم: مکارم اخلاق حضرت سید الشهداء علیه السلام

۱. علم حضرت سید الشهداء علیه السلام

چنانچه می‌دانیم و تاریخ زندگانی پیغمبر اعظم و ائمه طاهرین بر آن دلالت دارد علم و دانش این بزرگواران موهبت الهی بوده است. پیغمبر رنج دبستان ندید و تعلیم از معلم و استادی نگرفت؛ و به واسطه علم الهی مصدر این همه علوم عالیه و معارف حقیقیه و شرایع محکمه گردید.

نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت به غمزه مسأله آموز صد مدرّس شد

همین گونه، علوم علی و سایر ائمه علیهم السلام نیز به افاضه ربّانی و بخشش الهی و تعلیم خاص شخص پیامبر اعظم بود و گرنه کدام مدرسه در آن دنیای پر از جهل و نادانی می‌توانست چنین فارغ التحصیلانی به دنیا تحویل دهد که در علوم و فنون متعدده متشعبه، استاد و از زمان صباوت و کودکی مرجع مردم و علماء در مسائل علمی باشند و تا امروز کلماتشان برای رجال علم حلال مشکلات گردد.

علی علیه السلام اعلم صحابه بود؛ علم تمام صحابه پیش علم او چیزی شمرده نمی‌شد و همه به علم او محتاج بودند. او در خدمت پیغمبر و شاگردی او، بی‌مانند و نسخه‌ای مطابق اصل گردید.

بعد از علی علیه السلام این منصب الهی و رهبری علمی و دینی با فرزندانش حضرت امام حسن مجتبی و حضرت امام حسین سیدالشهداء علیه السلام بود. آنها ملجأ و پناه مردم در مسائل اسلامی و علوم تفسیر و احکام شرعی بودند، سخنان قاطع و مقبول و روشنشان سرمشق و میزان بود.

علم و دانش آن حضرت از احتجاجات او با دشمنان اهل بیت بخصوص معاویه و مروان، و نامه‌هایی که به معاویه مرقوم فرموده و خطبه‌هایی که به مناسباتی انشاء نموده و از دعای عرفه، و دعا‌های دیگر که از آن حضرت در کتاب‌های شیعه و سنی

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۰

نقل شده ظاهر و آشکار است.

۲. عبادت حضرت سید الشهداء علیه السلام

ابن عبدالبر و ابن اثیر از مصعب زبیری روایت کرده اند که گفت:

كَانَ الْحُسَيْنُ فَاضِلًا دِينًا كَثِيرَ الصَّلَاةِ، وَالصَّوْمِ، وَالْحَجِّ

حسین با فضیلت و متمسک به دین بود و نماز و روزه و حج او بسیار بود.

۳. سخاوت حضرت سید الشهداء علیه السلام

جود و بخشش این خاندان ضرب المثل است یکی از فضایل علی علیه السلام که موجب شد آیاتی از قرآن در شأنش نازل شود، انفاق و صدقات آن حضرت در راه خدا بود.

علی و اهل بیتش در این صفت، شهره آفاق شدند و تنها درهم و قرص نانی را که داشتند به فقراء می‌دادند و دیگران را بر خود مقدم می‌داشتند و ایثار می‌نمودند. ای بسا که خودشان گرسنه و برهنه به سر بردند و غذا و جامه خود را در راه خدا بخشیدند. ابن عساکر در تاریخ خود از ابی‌هشام فناد روایت نموده که او از بصره برای حسین علیه السلام کالا می‌آورد، و آن حضرت از جای برنخاسته همه را به مردم می‌بخشید.

۴. ادب و عاطفه حضرت سید الشهداء علیه السلام

حسین علیه السلام در آداب اجتماعی و حسن معاشرت با دور و نزدیک بلند پایه و بی‌نظیر بود. عفو و گذشت از خصال آن حضرت بود.

علی بن الحسین زین العابدین از پدرش حسین علیه السلام گفت: شنیدم می‌فرمود: اگر مردی به من دشنام دهد در این گوش و به گوش راستش اشاره فرمود و عذر بیاورد در گوش دیگرم عذر او را می‌پذیرم برای اینکه امیر المؤمنین علیه السلام حدیث کرد مرا که شنید، جدم پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

لَا يَرُدُّ الْحَوْضَ مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُحِقٍّ أَوْ مُبْطَلٍ

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۱

وارد حوض (کوثر) نمی‌شود کسی که عذر را نپذیرد، خواه عذر آور حق بگوید یا باطل.

حسین علیه السلام با فرزندان و بانوان و با کسان و اهل بیت خود در نهایت ادب، محبت، رحمت، مهربانی و انس و مودت زیست داشت.

راوی گفت: در خدمت حسین علیه السلام بودم کنیزکی دسته گلی برای آن حضرت آورد حسین علیه السلام فرمود:

أَنْتِ حُرَّةٌ لَوْ جِهَ اللَّهُ تَعَالَى

تو برای خدا آزادی.

گفتم کنیزکی یک دسته گل برایت آورده او را آزاد می‌کنی؟ فرمود: اینچنین خدا به ما ادب آموخته است که فرمود:

وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّهٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوْهَا

و نیکوتر از این دسته گل آزاد ساختن او بود.

۵. عدالتخواهی حضرت سید الشهداء علیه السلام

خاندان علی علیه السلام به عدالت و حمایت از مظلوم همانندی در عالم ندارند. حکومتشان حکومت حق و عدالت و سیره و رفتارشان دادگری و دادخواهی برای مظلومین بود. اگر می‌شنیدند به کسی ستمی شده ناراحت می‌شدند و تا برای او دادخواهی نمی‌کردند آسوده نمی‌گشتند.

حکایاتی که از عدل علی در کتاب‌های تاریخ است نشان می‌دهد که او دلباخته حق و فانی در عدالت بود. او به فرزندان و وصیت کرد:

كُونَا لِلظَّالِمِ حَضَمًا، وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا

دشمن ستمگر و یار ستم‌دیده باشید.

حسین علیه السلام فرزند آن پدر و وارث همان صفات بود. از ستم‌هایی که بنی‌امیه و عمال آنها به مردم می‌نمودند بیش از همه کس رنج می‌کشید، و به شدت ناراحت می‌شد.

قیام او، قیام علیه ظلم و بیداد و ستمگری، و نهضت او نهضت نجات بخش حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۲ ستمدیدگان و مظلومین بود.

۶. زهد حضرت سید الشهداء علیه السلام

بهترین نشانه زهد کامل و خوار شمردن دنیا همان فداکاری و گذشت آن حضرت از جان خود و جوانان و برادران و اصحاب و یاران، و تن دادن به آن همه مصیبت و بلا بود.

اگر دنیا و مال و نعمت آن، در نظر کسی بی قدر و ارزش نباشد نمی‌تواند اینگونه در راه حق و یاری دین خدا و بزرگداشت هدف عالی خود پایداری و استقامت ورزد تا به حدی که بدن قطعه قطعه عزیزانش را ببیند و صدای ناله کودکانش را از زحمت تشنگی بشنود و گریه زن و بچه، دل پر از مهر و عاطفه او را به درد آورد و برپیکرش آن همه زخم‌های کاری وارد شود ولی در یاری دین خدا ثابت و پا برجا بماند و در مقابل باطل نرمش نشان ندهد و مانند کوه تمام این مصائب او را تکان ندهد.

آری به حسین علیه السلام پیشنهاد می‌شد که با یزید از در مسامحه و سازش در آید، و به نحوی که در عرف اهل دنیا خلاف شأن و شرف او شمرده نشود با او کنار بیاید، و در عوض خودش و خاندان و فامیل و کسانش از دنیا متمتع و بهره مند شوند؛ اما حسین کسی نبود که برای خاطر زندگی دنیا و خوشگذرانی، مصالح عالیه اسلامی را نادیده بگیرد و با گرفتن حق السکوت برقراری چنان دستگاه فاسد و ظلم و کفر را امضاء نماید و در ادای تکلیف و وظیفه مهمی که از طرف خدا به عهده دارد مسامحه و کوتاهی نماید.

حسین پسر آن کسی است که فرمود: «اگر آفتاب را در دست راست، و ماه را در دست چپم بگذارند که دست از دعوت بردارم، برنخواهم داشت».

او پسر کسی است که می‌گفت: «دنیای شما نزد من از آب بینی یک بز زکامی خوارتر است». پس حسین مانند پدرش رئیس و سید زهاد بود. پدر می‌گفت:

مَا أَنَا إِلَّا كَقَارِبٍ وَرَدَّ أَوْ كَطَالِبٍ وَجَدَّ

پسر می‌گفت:

أَنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً، وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۳

ابن شهر اشوب در جمله ای از زهد آن حضرت گوید که به او گفته شد:

مَا أَغْظَمَ خَوْفَكَ مِنْ رَبِّكَ

چقدر بزرگ است بیم تو از خدا؟ فرمود:

لَا يَأْمَنُ الْقِيَامَةَ إِلَّا مَنْ خَافَ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا

در امان نیست کسی روز قیامت مگر آن کس که در دنیا از خدا بترسد.

۷. تواضع و فروتنی حضرت سید الشهداء علیه السلام

هرچه معرفت و خداشناسی و توحید، و علم و حکمت انسان بیشتر شود، تواضع و فروتنی او زیادتر می‌شود. تکبر بشر ناشی از جهل و نادانی، و غفلت و خودپسندی است. در آیات کریمه و احادیث از تکبر به شدت مذمت و از تواضع مدح و ستایش شده است.

افراد نادان به اندک چیزی از مال یا مقام باد در بینی می اندازند و به دیگران به نظر حقارت نگاه می کنند و مایلند فکر و نظر خود را بر مردم تحمیل کنند.

حسین در نزد مردم بسیار محترم بود وقتی او و برادرش حسن مجتبی علیه السلام پیاده به حج می رفتند تمام رجال و شیوخ صحابه که با آنها بودند به احترامشان از مراکب پیاده می شدند و پیاده می رفتند، این احترام حسین علیه السلام در نفوس نه برای آن بود که حسین کاخ مجلل داشت یا مرکب‌های سواری او گران قیمت بود یا غلامان و سربازان پیشاپیش یا دنبال موکب او می رفتند یا آنکه مسجد پیغمبر را برای او خلوت می نمودند و راه‌ها را در موقع آمد و شد او بر مردم می بستند، نه! برای هیچیک از اینها نبود. حسین با مردم زندگی می کرد و از مردم جدا نبود، در نهایت سادگی و تواضع بود، همه ساله پیاده به حج می رفت، با مردم نشست و برخاست، و آمد و شد داشت، با فقراء معاشرت می کرد، در نماز جماعت حاضر می شد، به عیادت بیماران می رفته، در تشییع جنازه‌ها شرکت می کرد. در مسجد جدش پیغمبر با دوستان و اصحابش می نشست. دعوت فقرا را می پذیرفت و آنها را میهمان می نمود، خودش برای محتاجان، بینوایان، بیوه زنان و یتیمان، نان و غذا می برد.

وقتی سپاهیان ستم پیشه و سنگدل کوفه بدن مطهرش را عریان بر خاک افکندند، بر شانه مبارکش نشانه از برداشتن بار دیدند، از علت آن پرسیدند، حضرت

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۴

سجاد فرمود: اثر آن انبانها است که در مدینه به دوش مبارک بر می گرفت، و به خانه‌های فقراء و ایتام و بیوه زنان می برد.

۸. ایمان خالص و استوار حضرت سید الشهداء علیه السلام

ایمان به هدف و مقصد برای ارباب نهضتها و رهبران انقلابها و زعمای اصلاحات دینی و اجتماعی، عامل بزرگ پیشرفت و بازنگشتن به عقب و عدول نکردن از برنامه است.

اگر رهبر یک قیام به هدف آن ایمان داشته باشد یعنی آن را عین واقع و حقیقت بشناسد، با اطمینان خاطر به سوی هدف پیش می رود و سستی و کندی نمی کند و در همه حال از ایمانی که دارد نیرو می گیرد و ناملايمات و سختیها و مشکلات، عزم او را ضعیف نمی سازد و در اراده او خللی وارد نمی کند. حسین نیز در ایمان به هدف و مقصد قیام خود، مانند جدش مرتبه اعلی را دارا بود.

هدف خود را حق، و امویین را باطل می دانست، و برنامه‌هائی را که اجرا کرد سبب نجات اسلام و مسلمین تشخیص داد و راه منحصر به فرد مبارزه با نقشه‌های خائنه بنی امیه را خودداری از بیعت و تسلیم دانست. او یقین داشت این راهی که می رود موافق با رضای خدا و پیغمبر و منتهی به شهادت و سعادت است به این جهت، صادقانه و قاطعانه مخالفت خود را با زمامداری یزید اعلام کرد، و هرچند می دانست این مخالفت و امتناع از بیعت برایش بی نهایت گران تمام می شود ولی چون رضای خدا را در آن می دید از همه آن مصائب و سختی‌ها استقبال کرد.

امام به شهادت خود ایمان داشت و می دانست که شهادت بر او نوشته شده، و این شهادت سبب مزید افتخار خاندان رسالت و ارتفاع درجات خودش خواهد شد.

تاریخ واقعه جانسوز کربلا- را از آغاز تا انجام بخوانید، در همه جای آن ایمان استوار حسین و فرزندان و اصحاب و بانوان و خواهران و دخترانش به چشم می خورد.

در مدینه وقتی ولید به آن حضرت پیشنهاد کرد با یزید بیعت کند فرمود:

إِنَّا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمَعْدَنُ الرَّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَمَهْبِطِ الرَّحْمَةِ بِنَا فَتِيحِ اللَّهِ وَبِنَا خَتَمَ وَيَزِيدَ رَجُلٍ فَاسِقٍ شَارِبِ خَمْرٍ قَاتِلِ نَفْسِ مَعْلَنٍ بِالْفِسْقِ فَمِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۵

ما اهل بیت نبوت و معدن رسالتیم ما محل آمد و شد فرشتگان و محل نزول رحمت می‌باشیم، خداوند به ما شروع کرد و به ما ختم نمود و یزید مردی فاسق و شرابخوار و آدمکش و متجاهر به فسق است، فردی چون من با فردی چون او بیعت نمی‌کند.

و به مروان وقتی عرض کرد صلاح تو در آنست که بیعت کنی فرمود:

أَنَا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَعَلَى الْأَسْلَامِ السَّلَامُ أَذْبَلْتِ الْأُمَّةَ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدٍ

انا لله و انا اليه راجعون فاتحه اسلام را باید خواند، اگر امت به رهبری چون یزید مبتلا شود!!.

صریح‌ترین کلامی که از آن حضرت در روز عاشورا روایت شده و نشان می‌دهد چگونه آن حضرت از برنامه‌ای که از آغاز در مجلس ولید، استاندار مدینه، اعلام کرد تا پایان کار، عدول نفرمود، اینست که در ضمن یکی از خطبه‌های بلیغی که در روز عاشورا خطاب به سپاه عمر سعد خواند فرمود:

أَلَا وَإِنَّ الدَّعَىٰ بِنِ الدَّعَىٰ قَدْ رَكَزْنِي بَيْنَ اثْنَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَالذَّلَّةِ وَهِيَ هَاتِ مِمَّا الذَّلَّةُ يَا بَنِي اللَّهِ تَعَالَىٰ ذَلِكُمْ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُور طَابَتْ وَطَهَّرَتْ وَأَنْوَفَ حَمِيهِ وَنَفُوسَ أُبِيهِ مِنْ أَنْ تُؤْثِرَ طَاعَةَ اللَّئَامِ عَلَىٰ مَصَارِعِ الْكِرَامِ

آگاه باشید که زنزاده پسر زنزاده بین دو خصلت ما را قرارداد: بین کشته شدن یا به خواری و ذلت تسلیم شدن، لیکن ذلت از ما دور است. خدا راضی نیست که ما به ذلت تسلیم شویم و پیامبر خدا و مؤمنان و دامن‌های پاک و پاکیزه‌ای که ما در آن پرورش یافته‌ایم و آن مردانی که از تن دادن به زیر بار ستم منزّه و برکنارند راضی نیستند که اطاعت مردان پست را بر قتلگاه کریمان و بزرگواران برگزینیم.

۹. شجاعت حضرت سید الشهداء علیه السلام

تمام مظاهر شجاعت در حسین علیه السلام وجود داشت، و روح و جسم او مرکز نمایش عالیترین مرتبه شجاعت بود تا جائی که «شجاعه الحسينيه» ضرب المثل

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۶
گشت.

از یک سو شدت تشنگی و رنج و تعب گرسنگی و بی‌خوابی، از یکسو خون ریزی از جراحتها، از دیگر سو زحمت جهاد و دفاع از خود و اصحاب و اهل بیت و بانوان و اطفال. از یک طرف خواهش آب و فریاد تشنگی کودکان، از طرف دیگر اسارت قریب الوقوع عزیزترین، و محترم‌ترین بانوان جهان اسلام.

هر زمان باران مصیبت بر او شدیدتر می‌شد، و هر ساعت صدای شهیدی از یاران باوفایش بر دلش داغ تازه می‌گذارد، شخصاً به بالین سر آنها حاضر می‌شد آن مردان با اخلاص و با وفا و با ایمان را می‌دید که با پیکرهای مجروح و بدنهای پاره پاره جان می‌دهند، و نسبت به او عرض ادب می‌کنند.

ولی حسین شهامت و استقامت و ایمان، این مصائب را تحمیل می‌کرد، و مثل شجاعی که دشمنان را از خود دفع می‌کند با این مصیبات که هر یک برای از پا درآوردن بزرگترین شجاعان کافی بود، مدافعه می‌کرد.

طبری و ابن اثیر از عبدالله بن عمار نقل کرده‌اند که وقتی پیادگان لشکر به آن حضرت از چپ و راست حمله کردند، آن حضرت بر آنها که از جانب راست حمله‌ور شده بودند حمله کرد تا گریختند، و بر آنها که از سمت چپ بودند حمله فرمود تا آنها را نیز به گریز داد، و در این حال عمامه بر سر و پیراهن خزی در برداشت. به خدا سوگند هرگز شکسته‌ای را ندیدم که فرزندان و اهل بیت و اصحاب و یارانش کشته شده باشند و در عین حال دلدارتر و قوی‌تر و بی‌بیم‌تر از حسین باشد. به خدا سوگند پیش از او و بعد از

او کسی را مثل او ندیدم! به هر سو حمله می‌کرد آن لشکر از او می‌گریختند. به خدا سوگند او همچنان جهاد می‌نمود.

۱۰. عظمت‌های حضرت سید الشهداء علیه السلام

عظمت در تصمیم

به معنای عزم راسخ داشتن به انجام کار و پایان آن، به طوری که هیچگاه و به هیچ گونه از عزم خود برنگردد، و هیچ چیز تصمیم او را سست نسازد، و از آغاز کار ملاحظه پایان و عاقبت آن را بنماید و هشیارانه تصمیم بگیرد.

اکنون بشنوید که حسین چگونه با پیش بینی پایان کار، وارد میدان شد، و

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۷

سخنانش چگونه از شعور خطیرش بر می‌خاست. آنگاه که عزیمت خروج از مکه و سفر عراق را داشت این خطبه را خواند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ خُطَّ الْمُؤْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَخَطَّ الْقَلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَتَاهِ، وَمَا أَوْلَهْنِي إِلَى اسْلَافِي اسْتِيقَاقِ يَعْقُوبَ إِلَى يَوْسُفَ، وَخَيْرَ لِي مَضْرَعًا أَنَا لِأَقِيهِ كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَقَطَّعُهَا عُسْلَانُ الْفُلُواتِ بَيْنَ النُّوَاوِيسِ، وَكَرْبَلَا فِيمَلَأَنَّ مِنِّي أَكْرَاشًا جَوْفًا، وَأَجْرِبَةً سَرِغْبًا لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمِ خُطَّ بِالْقَلَمِ رِضَى اللَّهِ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ نَضْبِرُ عَلَى بَلَائِهِ، وَيَوْفِينَا أَجُورَ الصَّابِرِينَ لَنْ تَشْدَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ لُحْمَتُهُ بَلْ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ تَقْرَأُ بِهِمْ عَيْنُهُ وَيَنْجِزُ بِهِمْ وَعِدَّةَ الْإِفْمَنِ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ، وَمَوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَزَحْلُ مَعَنَا فَآتِي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى

سپاس برای خدا است، و آنچه خواست خداست می‌شود و نیروئی جز به خدا نیست و درود خدا بر پیامبرش. مرگ بر فرزندان آدم نوشته شده و آنها را احاطه کرده مانند گردن‌بند بر گردن دختر جوان، و من بسیار مشتاقم به دیدار گذشتگان خودم همانگونه که یعقوب مشتاق دیدار یوسف است و برای من قتلگاهی است که من آن را خواهم دید.

گویا می‌بینم که در میان نوایس و کربلا- گرگان بیابان رگ‌های مرا پاره می‌کنند تا شکم‌های گرسنه خود را پر کنند از چنان روزی که با قلم قضا نوشته شده گریزی نیست، رضای خدا رضای ما خاندان است. صبر می‌کنیم بر بلای او تا به ما مزد صابران را دهد. هرگز پاره تن پیامبر از او جدا نشود، بلکه با او در حظیره قدس در یک جا باشد، چشمش به پاره‌های تنش روشن شود و به واسطه ایشان به وعده خود وفا کند.

آگاه باشید! هر کس از ریختن خون دلش در راه ما دریغ ندارد و دل به شهادت و

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۸

لقای خدا می‌نهد با ما کوچ کند که من بامداد کوچ خواهم کرد. انشاءالله تعالی.»

این بود منطق حسین، و سخنان شور انگیز و قاطع او در برابر کسانی که او را از تصمیمی که داشت باز می‌داشت.

عظمت در مردانگی

در این عظمت نیز حسین علیه السلام مقامی عجیب و سخت شگفت‌انگیز داشت و مردانگی در وجود او به حد اکمل نمایش یافت، و شاید برجسته‌ترین موارد ظهور مردانگی آن حضرت آن وقتی بود که سپاه کفر پیشه، آن حضرت و اصحابش را تیر باران نمودند، حسین برخاست یک نگاه به آن تیرها کرد، و یک نگاه به اصحابش سپس فرمود:

قَوْمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِلَى الْمَوْتِ الَّذِي لَا بُدَّ مِنْهُ فَإِنَّ هَذِهِ السَّهَامَ رُسُلُ الْقَوْمِ إِلَيْكُمْ

بر خیزید! خدا شما را رحمت کند، و از مرگی که چاره‌ای از آن نیست پیشواز نمائید اینک این تیرها فرستاده‌های این مردم به

سوی شمایند.

اصحاب برخاستند و ساعتی را با آنها نبرد کردند تا جمعی از اصحاب شهید شدند

۱۱. صبر و شکیبائی حضرت سید الشهداء علیه السلام

اشاره

این صفت از اصول اخلاق حمیده و ملکات پسندیده است و آیات شریفه و احادیث در فضیلت آن بسیار است، و در بیش از هفتاد موضع در قرآن مذکور است.

از آیات و روایات، علاوه بر آنکه بلندی مقام و رتبه صابران معلوم می‌گردد، دانسته می‌شود که صبر، کلید برکات و مقدمه نیل به تمام مقامات معنوی و شرط توفیق در هر کار و کسب هر فضیلت است.

حسین علیه السلام در مقام صبر امتحانی داد که دوست و دشمن از آن در شگفتی شدند، بلکه فرشتگان آسمان (برحسب فقره زیارت ناحیه مقدسه: «وَلَقَدْ عَجَبْتَ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ») نیز از آن صبر و شکیبایی در تعجب ماندند.

صبر در جهاد

صبر در جهاد اینست که مجاهد فی سبیل الله به واسطه ورود جراحات و زخم

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۲۹

اسلحه پشت به میدان نکند و از زخمهای کاری، پریشان خاطر نشود و روحیه اش از یورش و حمله دسته جمعی قوای مسلح دشمن ضعیف نگردد.

مجموع جراحاتی که اثرش در لباس آن حضرت بود صدو بیست جراحت بوده بلکه از بعضی روایات استفاده می‌شود که مجموع جراحات وارده بر آن بدن عزیز خدا از شمشیر و تیر و نیزه و سنگ، بیش از سیصد و ده جراحت بوده است و به اتفاق تمام این زخمها از پیش رو و سینه مطهر بر آن حضرت رسید.

با این کثرت جراحات جنگ می‌کرد و رجز می‌خواند و حمله‌های مردانه می‌کرد و تا ممکن بود سواره و سپس پیاده، و حتی آن وقتی که بر زمین افتاده بود با کمک شمشیر برمی‌خاست و آن مردمی را که ننگ عالم انسانیت شدند از خود دور می‌کرد، و دفاع می‌نمود و صبر داشت.

صبر در مصیبت جوانان و برادران و اصحاب

این نوع صبر از صبر بر جراحات، و آلام بدنی به مراتب دشوارتر، و از پا درآورنده‌تر است. اما حسین که صبر و شکیبائی اش از کوه‌های عالم بیشتر بود در داغ مرگ جوانان و برادران، و مصیبت بهترین اصحاب و یاران که همه را با لب تشنه در پیش رویش به فیجیع‌ترین وضعی شهید می‌ساختند و بدنشان را پاره پاره می‌کردند، صبری کرد که از آغاز عالم تا به حال چنان صبری از کسی آشکار نشده است. طفل شیرخوارش را در بغلش تیر می‌زدند و هلاک می‌کردند. فرزند کوچک برادرش را در آغوشش بعد از آنکه دستش را با شمشیر قطع کردند به طوری که با پوست آویخته شد، شهید کردند.

کودکی را که شمشیر دشمن دستش را قطع کرده بود مانند مردان دنیا دیده؛ امر به صبر می‌کرد و می‌فرمود:

يَا ابْنَ اِخِي اَصْبِرْ عَلٰى مَا نَزَلَ بِكَ، وَ اَحْتَسِبْ فِي ذٰلِكَ الْخَيْرَ

برادر زاده‌ام! صبر کن بر آنچه که بر تو وارد شده (از بلاها و مصیبت‌ها) و اینها را خیر حساب کن!.

اهل بیتش را در معرض اسیری می‌دید با اینکه این مصیبت برای او که مجسمه

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۳۰

غیرت و مردانگی بود بسیار سخت و جانگداز بود صبر فرمود، و آنها را به صبر و وقار و خاموشی و خویشن داری سفارش می‌کرد و

برحمت خدا مژده می‌داد و می‌فرمود:

وَرَحْمَةُ اللَّهِ لَا تُفَارِقُكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

صبر در غضب و خشم

از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روایت است که نیرومند کسی است که به هنگام خشم، مالک خویش گردد. حسین علیه السلام

هرگز تحت تأثیر خشم و غضب کاری را انجام نداد، در هنگام غضب بر خود مسلط بود؛ و اگر تمام عوامل خشم فراهم می‌شد آن

حضرت از طریق اعتدال و میانه روی و راه صواب به قدر چشم برهم زدن بیرون نمی‌شد.

غلامی از غلامانش آب بر دست مبارکش می‌ریخت ابریق از دستش در طشت افتاد، آب طشت بر روی مقدسش پاشید. غلام

عرض کرد: ای آقای من!

«وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ».

فرمود: خشمم را فرو خوردم. غلام گفت:

«وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ».

فرمود: عفو کردم از تو. عرض کرد:

«وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ».

فرمود:

اذْهَبْ فَإِنَّتَ حُرٌّ لِرُوحِهِ اللَّهُ الْكَرِيمُ

برو که تو در راه خدا آزادی!

صبر در تشنگی

این شکیبائی سخت دشوار است، خصوصاً اگر تشنگی در نهایت شدت باشد. تسلیم نشدن به دشمن با زحمت تشنگی، علامت

تصمیم و عزم راسخ فوق العاده است. شاید در تاریخ موردی را پیدا نکنیم که آب را بر روی طرف بسته باشند و او از تسلیم

خودداری کرده باشد.

کسانی که گرمای عراق را دیده‌اند می‌دانند که تحمل تشنگی چند ساعت در آنجا طاقت‌فرسا است. زحمت جهاد در آفتاب

سوزان و کثرت جراحات و ریزش خون، همه باعث شدت تشنگی است ولی آن امام تشنه کام بر این رنج عظیم صبر

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۳۱

فرمود، و تسلیم آن ناکسان نگردید. صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ

صبر در اطاعت فرمان خدا

معلوم است که ظهور تمام اقسام صبر از آن حضرت برای اطاعت فرمان خدا بود، و برای امتثال امر خدا از آن همه بلاها و مصیبت‌ها

استقبال کرد و پیشنهادهایی را که دوستان یا دشمنان دادند که با یزید بیعت کند یا بنحوی با او به سازش و سکوت رفتار نماید نپذیرفت و ردّ کرد.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۳۳

فصل چهارم: پیشگویی از شهادت حضرت سید الشهداء علیه السلام

اشاره

یکی از معجزات بزرگ، و روشن و غیر قابل انکار پیامبر صلی الله علیه و آله پیشگویی‌ها و خبرهایی است که آن حضرت از حوادث آینده داده است که معتبرترین اسناد و مدارک تاریخی، آن را حفظ کرده و هرکس با تاریخ اسلام آشنا شود در آن شبهه و تردید نمی‌نماید که از آن جمله است پیشگویی حضرت از شهادت حضرت سید الشهداء علیه السلام. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

أخبرني جبرئيل أن ابني الحسين يقتل بعدى بارض الطف وجاءني بهذه التوبة فأخبرني أن فيها مَضَجَهُ

جبرئیل به من خبر داد که پسر من حسین کشته می‌شود بعد از من در زمین طف و این خاک را برایم آورد و خبر داد که در آن مضع او است.

و آنگاه که علی علیه السلام به صفین می‌رفت گذرشان به کربلا- افتاد، و به محاذی نینوا (که دهی در کنار فرات است) رسید، ایستاد و از نام آن زمین پرسید گفته شد: کربلا است. پس گریست آن قدر که زمین از اشک چشمش تر شد (و به روایت عبدالله بن یحیی از پدرش که در التزام رکاب علی علیه السلام بود، فرمود:

صَبْرًا يَا ابا عَبْدِ اللَّهِ صَبْرًا يَا ابا عَبْدِ اللَّهِ صَبْرًا يَا ابا عَبْدِ اللَّهِ بِشَاطِئِ الْفُرَاتِ

پس فرمود وارد شدم بر پیغمبر صلی الله علیه و آله در حالی که آن حضرت گریه می‌کرد، از سبب گریه پرسیدم فرمود:

كَانَ عِنْدِي جَبْرَائِيلُ آنفًا وَأَخْبَرَنِي أَنَّ وَلَدِي الْحُسَيْنَ يَقْتُلُ بِشَاطِئِ الْفُرَاتِ بِمَوْضِعٍ يُقَالُ لَهُ كَرْبَلَا ثُمَّ قَبِضَ جَبْرَائِيلُ قَبْضَهُ

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۳۴

من تراب شَمَنِي اياه فلم املك عَيْنِي اِنْ فَاضَتْ

جبرئیل زمانی پیش نزد من بود و به من خبر داد که فرزندم حسین کشته می‌شود به شاطی الفرات در موضعی که به آن کربلا گفته می‌شود. پس جبرئیل یک مشت از خاکی قبض کرد و به مشام من رسانید پس نتوانستم دیدگانم را از ریختن اشک نگاه دارم. وقتی حضرت سید الشهداء علیه السلام به زمین کربلا رسید و به او گفته شد اینجا زمین کربلا است آن را بوئید، و فرمود: این است زمینی که جبرئیل به پیامبر خبر داد که من در آن کشته می‌شوم.

بنی امیه

بنی امیه از نظر اخلاق بی‌مایه و فاقد ارزش بودند، در جاهلیت و اسلام به حب دنیا و شهوات و التذاذ جنسی، افراط در خوشگذرانی و تجمل و پرخوری و ناز پروری، سور پرستی، کاخ‌نشینی و عصبیت فامیلی موصوف و معروف بودند.

ابوسفیان

در میان تمام کسانی که در مقابل دعوت اسلام به توحید و خداپرستی عناد ورزیده و لجوجانه مخالفت کرده، و مقاومت نشان دادند ابو سفیان فساد و عناد و اصرارش از دیگران بیشتر بود. او تا وقتی که مظفریت قطعی نصیب مسلمانان نشده بود برای خاموش کردن انوار آفتاب اسلام تلاش کرد، و در بدر، احد و خندق از سران مشرکین، و در احد و خندق سردار لشکر و زعیم سپاه کفر بود.

در سال فتح مکه ابوسفیان و زن و فرزندانش از روی اکراه و بیم قتل به ناچار اسلام آوردند. راجع به نفاق او و اینکه اسلامش از روی اکراه بود و تا زنده بود دست از دشمنی با اسلام و مسلمانان بر نداشت حکایات بسیار در تواریخ است. وقتی پیامبر اعظم از دنیا رحلت فرمود ابوسفیان در مکه مشغول تحریک و تهییج فتنه بر علیه اسلام شد و خواست مردم را به ارتجاع وادارد. سهیل بن عمرو در آن هنگام که افکار، سخت متشنج و مضطرب بودند، نقشه های ابوسفیان را که مردم را به ترک اسلام و بازگشت به جاهلیت تحریص می کرد، نقش بر آب ساخت، او خطبه ای خواند و گفت:

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۳۵

«به خدا سوگند، من می دانم که این دین مانند آفتاب که به مشرق و مغرب عالم می تابد جهانگیر خواهد شد. ابوسفیان شما را فریب ندهد او خودش نیز آنچه را من می دانم می داند لکن سینه اش از حسد با بنی هاشم ناراحت و سنگین است.»

ابوسفیان از مکه به مدینه آمد، داستان سقیفه بنی ساعده و بیعت ابوبکر و غضب خلافت را، برای روشن کردن آتش یک جنگ داخلی در اسلام، وسیله خوبی شناخت، لذا نزد علی علیه السلام آمد و گفت: «دست بده تا با تو بیعت کنم به خدا سوگند اگر بخواهی مدینه را از سوار و پیاده پر می کنم.»

علی علیه السلام چون از اندیشه اش با خبر بود او را از پیش خود براند، و فرمود: به خدا سوگند، تو از این کار غیر از فتنه قصدی نداری و به خدا قسم از دیر باز تا حال بدخواه اسلام بوده ای و ما را حاجت به تو نیست.

معاویه بن ابی سفیان (پدر یزید)

تا کسی یک دوره تاریخ زندگی او را نخواند به ماهیت این عنصر ناپاک و خطرناک و قیافه زشتی که از او در صفحات تاریخ باقی مانده پی نخواهد برد، و هر کس بخواد او را معرفی کند از عهده بر نخواهد آمد.

به گفته آن مرد دانشمند آلمانی به شیخ محمد عبده، کسی که راه را بر توسعه فتوحات اسلام بست، معاویه بود. برای نیل به ریاست و حکومت به نام خونخواهی عثمان جنگی بر پا کرد، و صد و ده هزار نفر را به کشتن داد و سیصد و شصت نفر را از اصحاب پیغمبر

از کسانی که در بیعت رضوان شرکت داشتند شهید ساخت؛ در جنگ جمل دست داشت و جنگ نهروان در نتیجه خروج او بر امام حادث شد.

آثار بی دینی و بی ایمانی به دین و قرآن و بی اعتنائی او به شرف، و وجدان در تمام دوران زندگی اش هویدا است. به طور یقین معاویه تلاش می کرد که اسلام را از بین بردارد، و دین را دین ابی سفیان و شریعت جاهلیت و روش آل حرب و طریقه بنی امیه قرار دهد و آن همه دشمنی و جنگ های او با خاندان هاشم، مخصوصاً علی علیه السلام دشمنی با پیغمبر صلی الله علیه و آله و تعقیب جنگ های پدر، و جد مادری، و فامیلش به اسلام بود.

اگر کسی را در نفاق، طغیان، انکار حق، حيله، مکر و غدر، خیانت و پیمان شکنی،

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۳۶

بی مانند بدانیم، بطور مسلم چنین کسی همان معاویه است.

میگساری معاویه

شاید بعضی گمان کنند، یزید نخستین کسی بوده از بنی امیه که شرب خمر و میگساری می‌کرد و علناً مرتکب این گناه بزرگ که شرع و عقل و علم، بر نکوهش و منع آن اتفاق دارند می‌شد، و ندانند که این کار زشت در خاندان یزید سابقه داشته و از پدر و جدش به او ارث رسیده بود.

داستان میگساری ابی سفیان معروف و مشهور است و تواریخ معتبر، میگساری معاویه و اینکه علناً برایش شراب به دمشق حمل می‌کردند را شرح داده‌اند. او بجای اینکه در اجرای احکام خدا نظارت کند خودش با این روش مردم را به هتک احترام احکام تشویق و گستاخ می‌نمود، و وقتی او را نهی از منکر می‌کردند خشمناک می‌شد.

او با پیامبر و علی و قرآن و اسلام دشمن بود و وقتی از دشمنی با شخص پیامبر صلی الله علیه و آله مأیوس شد با خاندانش در مقام کینه توزی و دشمنی برآمد و در خاندان آن حضرت کسی از علی سزاوارتر به اینکه هدف تیر دشمنی کفار و منافقین و دشمنان اسلام و پیغمبر شود نبود تا آنکه در ایام بنی امیه بیش از هفتاد هزار منبر بود که بر آنها به علی علیه السلام لعن می‌کردند.

معاویه متظاهر به محرمات و خلاف سنت پیغمبر بود، از ربا و شراب پرهیز نداشت در ظرف‌های طلا و نقره غذا می‌خورد، انگشت طلا در انگشت می‌کرد. زینت‌های قیمتی به خود می‌بست و در دین بدعت‌هایی گذارد. به شنیدن آوازهای غنا و لهو و طرب مأنوس بود، سفره‌های رنگین می‌انداخت و به غذاهای لذیذ و خوش طعم بسیار راغب بود، لباس‌های فاخر و گرانبها می‌پوشید، و بطور کلی روش او در خوراک، و پوشاک دنیائی و بنای کاخ‌های رفیع، و نگاهداری غلامان و کنیزان و حرکت با اسکورت و تشریفات سلطنتی برخلاف روش پیغمبر صلی الله علیه و آله و صحابه و برنامه‌های اسلام بود. او بیت‌المال مسلمین را در تشکیلات پادشاهی و وظایف درباری‌ها و اطرافیان و سربازان گارد مخصوص خود صرف می‌کرد و سوء سیاست مالی او موجب شد که بیت‌المال خالی شود بناچار مالیات‌های سنگین به مردم بست و با اهل جزیه برخلاف پیمان رفتار می‌کرد، و ترتیبات مالی اسلام را به

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۳۷

هم زد. او علاوه بر آنکه سب امیر المؤمنین علیه السلام را معمول ساخت و علاوه بر استلحاق زیاد و استخلاف یزید، به مقام مقدس پیغمبر استخفاف می‌کرد و در حضور او به آن حضرت جسارت می‌شد و او منعی نمی‌کرد حتی به رسالت برخوردش سلام کردند و از آن منع نکرد.

او از فضایل اخلاقی مانند شجاعت، عدالت، انصاف، غیرت، تقوی، امانت و مردانگی بی‌بهره بود، حتی از حلم و سیاست نیز سهمی نداشت.

یزید کیست؟

سیاه‌ترین صفحات تاریخ بشر صفحاتی است که در آن، شرح زندگی یزید ثبت شده است. اگرچه رسوائیها و جنایت‌های بنی امیه آنها را در میان بزه کاران تاریخ و زمامداران پست و جبار، مشهورتر از همه ساخت؛ ولی یزید برای این دودمان ننگ و عاری شد که نزدیک بود مردم آن همه ننگ و رسوائی سایر افراد این فامیل را فراموش کنند و فقط یزید را یگانه قهرمان کفر و شرارت، طغیان و سبک مغزی، دنائت و عداوت با خاندان پیغمبر بشناسند.

بنی امیه مانند یک صفحه سیاه در تاریخ ظاهر شدند، و یزید در آن صفحه سیاه نقطه‌ای شد که سیاهی‌اش تاریکتر، و مصداق «ظلمات بعضها فوق بعض» گشت.

یزید جوان بدخوئی بود که شب و روزش را در میگساری و اشتغال به تار می‌گذراند و از مجلس زن‌ها و ندمایش بر نمی‌خاست

مگر برای شکار، و هفته‌ها را در شکار بی اطلاع از جریان امور کشور سر می‌کرد.

علاقه شدید یزید به شعر او را به میگساری و معاشرت با شعراء و ندماء راغب کرده بود و میل مفرط او به شکار او را از رسیدگی به امور ملک و سیاست باز می‌داشت. توجه او به تربیت یوزها و بوزینگان او را در عداد و همردیف صاحبان یوز و بوزینه قرار داد. یزید بوزینه‌ای داشت که آن را ابوقبیس می‌خواند، و لباس حریر به او می‌پوشاند و آن را به طلا و نقره زینت می‌نمود و در مجالس شراب حاضر می‌ساخت و در مسابقات اسبدوانی بر الاغی سوارش می‌کرد و تحریص می‌نمود تا مسابقه را از اسب‌ها ببرد. یزید حتی در مدینه‌ی پیغمبر نیز از میگساری، و گناه خودداری نمی‌کرد.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۳۹

فصل پنجم: علل قیام حضرت سیدالشهداء علیه السلام

اشاره

در چنین وضعیتی که اسلام به زمامدار فاسدی مانند یزید مبتلاء شده بود حضرت سیدالشهداء علیه السلام به مقابله با بنی امیه برخاستند به جهت:

۱. اطاعت فرمان خدا و ادای تکلیف

۲. امر به معروف و نهی از منکر

در کتب معتبر تاریخ روایت شده که حسین علیه السلام برای برادرش محمد بن علی معروف به محمد حنفیه این وصیت را نگاشت: «بسم الله الرحمن الرحيم. اینست آنچه که وصیت کرد حسین بن علی بن ابیطالب به برادرش محمد بن علی معروف به ابن الحنفیه» «همانا حسین گواهی می‌دهد به یگانگی خدا و اینکه شریکی برای او نیست و اینکه محمد، بنده و فرستاده او است، شریعت و دینی را که آورد به حق از جانب حق آورد، و اینکه بهشت و آتش، حق است، و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست، و اینکه خدا تمام مردگان را برخواهد انگیخت» و بعد این جمله را مرقوم فرمود:

أَنْتِي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا، وَلَا مُفْسِدًا، وَلَا ظَالِمًا؛ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةِ جَدِّي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ ...

همانا من از برای تجاوز و طغیان و خودداری از قبول حق و برای فساد و ستم بیرون نشدم، بلکه برای اصلاح امور امت جدم محمد صلی الله علیه و آله می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و بر سیره و

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۰

روش جدم پیغمبر و پدرم علی بن ابیطالب علیه السلام بروم.

در این جمله حسین علیه السلام علت قیام و برنامه کار خود را در چهار ماده اعلام کرد:

۱. اصلاح امور امت.

۲. امر به معروف.

۳. نهی از منکر.

۴. پیروی از روش جدش پیغمبر صلی الله علیه و آله و پدرش علی علیه السلام.

۳. فساد زمامدار و دستگاه خلافت

یکی از صفاتی که باید در خلیفه باشد اینست که خلیفه باید در روش، و رفتار، مظهر عدالت و تعالیم اسلام و نمونه تربیت مکتب قرآن باشد، و مانند آینه که از شخصی که در برابر آن بایستد حکایت می‌کند، از اسلام حکایت کند. غرض از تعیین خلیفه و زمامدار، اجرای حدود و امر به معروف و نهی از منکر و عمل به شریعت و احکام است، پس خلیفه و زمامدار باید خودش بیش از همه به قانون و احکام عمل نماید و حقوق اسلامی را برای همه افراد محترم شمارد. کسی که می‌خواهد به حکم شریعت و قانون، زمامدار باشد، باید رعایت و احترامش از قانون شرع از دیگران بیشتر باشد و اگر خلیفه متجاهر به فسق و نابخاری و خیانت گردید، ضررهائی که از ناحیه او به ملت می‌رسد پایه بقای ملت را متزلزل و مشرف به انهدام خواهد ساخت.

یک غرض عمده از خلافت راست کردن کژی‌ها و اقامه عدالت اجتماعی و اجرای نظام اسلامی است. اگر حکومت به این هدف‌ها اهمیت ندهد به قدر پیشیزی ارزش ندارد و تمرد از او امرش در صورت امکان لازم و یاری و اعانت آن گناه است. اسلام با تحمیل شخصیت حکام بر رعایا مبارزه کرد، و حکومت‌های استبدادی حکام آفریقا و امراء و رؤسای قبائل نجد و حجاز و ترکستان و کشورهای دیگر را ساقط کرد و تذلیل بشر را به هر عنوان و اسمی محکوم ساخت؛ و سطح افکار جامعه را بالا برد و شوکت استثمارگران را درهم شکست، نه برای اینکه صاحبان مناصب را عوض کند و در ایران یا سوریه یا الجزایر و مراکش به جای حاکم ایرانی یا آفریقائی، حاکم عربی بنشانند.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۱

کاخ کسری، و آن همه تجملات و تشریفات را که از دسترنج کارگران، و کشاورزان محروم تهیه شده بود از میان برداشت نه برای اینکه دیگران و خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس همان رسم را دنبال کنند و کاخ‌های رفیع‌تر با تجملاتی خیره‌کننده‌تر و تشریفات بیشتر ترتیب دهند و بندگان خدا را استعباد کنند، بلکه هدف اسلام پایان دادن به استعباد بود تا ملت‌ها شخصیت و شرف خود را بجویند و کورکورانه از زمامداران اطاعت نکنند.

۴. خطر ارتجاع و بازگشت به عصر شرک و بت پرستی و جاهلیت

۵. نداشتن تأمین جانی

شرعاً و عقلاً هر کس در برابر صدمات و خطراتی که متوجه جانش می‌شود، حق دفاع دارد، و فطرت او در هنگام توجه خطر او را به مدافعه و حفظ جان و ادار می‌سازد، و اگر انسان در مقابل دشمن مهاجم، دفاع نکند و تسلیم شود مسئول، و سزاوار توبیخ است.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۳

فصل ششم: نتایج قیام حضرت سید الشهداء علیه السلام

۱. تقرب و ارتقاء درجه

یکی از بزرگترین نتایج قیام سید الشهداء علیه السلام، ثمرات قرب و ارتقاء درجه آن حضرت در نزد خداوند متعال است. خدا وحی کرد که برای او درجه‌ای است که به آن درجه احدی از مخلوق نمی‌رسد، و همانا که برای او شیعه‌ای است که شفاعت می‌کنند، و شفاعتشان پذیرفته می‌شود، و همانا مهدی علیه السلام از فرزندان اوست، پس خوشا به حال کسی که از دوستان حسین

علیه السلام باشد، و شیعیان او به خدا سوگند روز قیامت رستگارند.

و نیز پیامبر صلی الله علیه و آله به حسین علیه السلام فرمود:

إِنَّ لَكَ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةً لَا تَنَالُهَا إِلَّا بِالشَّهَادَةِ

به درستی که برای تو در بهشت درجه‌ای است که به آن نمی‌رسی مگر به شهادت.

۲. نجات اسلام

مهمترین نتیجه قیام حسین علیه السلام نجات اسلام از چنگال نقشه‌های بنی‌امیه است.

هر کس تاریخ اسلام، و حرکات بنی‌امیه را در جاهلیت و اسلام مطالعه کند به وضع خطرناکی که از جانب آنها اسلام را تهدید به زوال، و انقراض می‌نمود آگاه می‌شود.

۳. بیداری شعور دینی

در اثر تبلیغات معاویه و روش او و همدستانش و دوری مردم از عهد رسالت و

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۴

تعطیل اجرای برنامه‌های اسلام و توسعه ممالک اسلامی و ممنوع شدن تبلیغات صحیح دینی و خانه‌نشین شدن شایستگان و دانشوران، شعور دینی مردم ضعیف گشت و افکار آنها انحطاط یافت، اکثریت مردم در برابر وضع موجود، خودباخته و شکسته خاطر و سرد شده بودند و قیام امام علیه السلام مردم را بیدار و هشیار نمود.

۴. محبوبیت اهل بیت و عزت باز ماندگان

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (مریم / ۹۶)

محبت و دوستی اهل بیت جزء مزاج ایمانی و اسلامی هر مسلمان است و احدی نیست که مسلمان باشد و پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست ندارد و با این حال حبیبه عزیزه‌اش سیده نساء‌العالمین، و دو ریحانه‌اش حسن و حسین، و برادر و پسر عمش علی علیهم السلام را دوست نداشته باشد. یکی از آثار شهادت حسین علیه السلام این بود که این محبت در دلها زیاد شد و موجب جلب عواطف و جذب احساسات عموم به خاندان نبوت گشت.

۵. محکومیت بنی‌امیه در افکار مسلمین و سایر ملل

بنی‌امیه با کشتن حسین علیه السلام گور خود را کردند، و پرده‌ای از روی شنای اعمال و مقاصد شوم خود برداشته و خشم و غضب ملل اسلام را خریداری کردند.

۶. گرفتاری بنی‌امیه به شورش و انقلاب

یکی از عکس‌العمل‌ها و نتایج شهادت و مظلومیت حسین علیه السلام شورش‌ها و انقلاباتی بود که برای برانداختن حکومت امویین در جهان اسلام برپا شد.

در این شورش‌ها عاملی که بیش از هر چیز مردم را تهییج و تحریک می‌کرد، شهادت حسین علیه السلام، و دعوت به قیام برای خونخواهی آن حضرت و گرفتن انتقام از بنی‌امیه بود.

خونخواهی حسین علیه السلام شعاری بود که همه جا از آن طرفداری می‌شد و مردم به دور پرچمی که با این شعار افرشته می‌شد جمع می‌شدند.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۵

۷. تحوّل فکری

یکی از بیماری‌های خطرناک فکری که پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجتماع مسلمانان به آن گرفتار شد این بود که بسیاری از مردم در برابر عمل انجام شده، هرچند موافق با خیر و مصلحت و نظامات و تعالیم شرعیه نبود تسلیم می‌شدند و هر حکومتی را که روی کار می‌آمد واجب الاطاعه، و بیعت با آن را لازم الوفا می‌دانستند. [۱]

این روش باعث می‌شد که هر کس می‌توانست با یک جهش ناگهانی یا اغفال مردم وضعی را ایجاد و سیاستی را اجرا کند و بر مرکب مراد سوار شده، و بی معارض و مزاحمی، مستبدانه بر جامعه حکومت کند.

حسین علیه السلام با این فکر غلط و خطرناک نیز مبارزه کرد و مردم را از این اشتباه که حکومت‌هایی مانند حکومت بنی‌امیه و یزید، واجب الاطاعه‌اند، بیرون آورد، و فهماند که نه فقط اطاعت از آنها واجب نیست، بلکه کوشش برای برانداختن آنها و تأسیس حکومت تمام اسلامی، لازم و واجب است.

پس از قیام سید الشهداء علیه السلام معلوم شد: آن حکومتی که واجب الاطاعه است و باید مسلمانان آن را تقویت و پشتیبانی نمایند، حکومتی است که در تمام نواحی، نمایشگر عدالت اسلامی و مجری تعالیم و احکام قرآن باشد.

۸. عکس العمل جاودان و پایدار

اثر جهاد حسین علیه السلام در صفحه تاریخ جاویدان ماند، و همواره نیرو بخش اصلاح طلبان، و مجاهدان راه حق و حامیان خیر و عدالت است.

قیام آن حضرت، مبارزه با ظلم و ستم و کفر و باطل بود که در آن زمان از گریبان یزید سربرون کرده بود. مبارزه با افکار و نقشه‌ها و آراء، و مفسدگی بود که از جانب او حیات ملت اسلام را تهدید می‌کرد.

در این مبارزه، شخص یزید و هیکل نازیبا و آبله رو، و چهره سیاه و بینی قره‌دار او طرف نبود بلکه کردار و رفتارش طرف مبارزه بود.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۶

۹. تأسیس مکتب عالی و همگانی تعلیم و تربیت

یکی از نتایج شهادت سید الشهداء علیه السلام که همواره مورد استفاده عموم و وسایل تعلیم و تربیت و هدایت جامعه به اخلاق فاضله است برنامه‌هایی است که به عنوان عزاداری و سوگواری و ذکر مصائب آن حضرت در عرض سال اجرا می‌شود. مجالس ذکر مصیبت آن حضرت بهترین مجالس تبلیغی و دعوت به اسلام است.

در این مجالس، معارف قرآن، اصول و فروع دین، تفسیر و حدیث، تاریخ و سیره پیامبر و ائمه علیهم السلام و صحابه، مواعظ، نصایح و راهنمایی‌های اخلاقی و اجتماعی و آئین زندگی از خانه‌داری تا کشورداری، به مردم آموخته می‌شود و جاذبه نام حسین علیه السلام مردم را ساده و بی‌ریا در این مجالس تعلیم و هدایت و تربیت حاضر می‌سازد.

بطور یقین هیچ وسیله دیگر نمیتواند این منظور را تأمین کند، نام حسین مانند مغناطیس همه را جذب می‌کند و محبوبیت فوق‌العاده او طوری است که همه می‌خواهند با او ارتباط داشته و در شمار دوستانش محسوب و در مصیبتش قطره اشکی بریزند. متذکر می‌شود در صورت تمایل برای اطلاع بیشتر از مطالب مذکوره به کتاب پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام که از تألیفات اینجانب است مراجعه نمایید.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۷

فصل هفتم: قسمتی از پیام حضرت آیت الله العظمی صافی به همایش سراسری مداحان

در ادامه این نوشتار برای بهتر برگزار شدن این مراسم الهی که بالاترین جلوه‌ی تعظیم شعائر اسلام است بیان بعض نکات ضروری بنظر می‌رسد.

اینجانب با کسب اجازه از عزیزان خودم، مدّاحان اهل بیت علیهم السلام در این مجال اندک به مواردی که باید به آن توجه شود اشاره می‌نمایم:

۱. هدف مدّاحان باید ترویج دین و نشر معارف و ذکر مصایب اهل بیت علیهم السلام و کسب درجات معنوی و اجر و ثواب الهی باشد و در مقام معامله این کار عظیم و ثواب‌های بزرگ آن با امور مادی نباشند و بدانند که خدمات مخلصانه‌ای را که انجام می‌دهند اگر با تمام دنیا معامله نمایند مغبون می‌شوند.

۲. مطالبی را که می‌گویند و هر سخنی را که در هر رابطه حتی تعریف از اشخاص بر زبان می‌آورید حق باشد و سعی کنید زبانتان به باطل نرود و آیه‌ی کریمه «ما یلفظ من قولٍ الاّ لَدَیْهِ رَقِیبٌ عَتِیدٌ» را مدّ نظر قرار دهید.

۳. سعی شود که اشعار مدایح و مراثی که خوانده می‌شود از جهت مضمون و معنویت و پیام، بلند و عالی برگرفته از هدایت‌های قرآنی و روایی باشد و اشعار ضعیف و متضمن مضامین سست و خرافی و بی‌مصدر نباشد.

۴. از اشعار اغراق آمیز و غلو گونه و شعارهای غالیانه و اشعار به اصطلاح عرفانی و صوفیانه که بعض عقاید باطله را القا می‌نمایند باید جداً پرهیز نمود.

۵. باید مدّاحی شعبه‌ای از تبلیغات دینی و مدّاحان محترم واسطه رساندن معارف دین و پیام‌های ائمه معصومین علیهم السلام باشند. لذا چاکران با اخلاص آستان مقدّس حسینی اولاً در تصحیح ع-قائد و ثانیاً تهذیب اخلاق خود کوشش فراوان نمایند که با سیما و سیره و عمل هم بر تأثیر مضامینی که به شع-ر یا به ن-ثر القا می‌کنند بی-ف-زاید و مصداق «المَوْعِظَةُ إِذَا حَرَجَتْ مِنْ قَلْبٍ وَقَعَتْ فِي قَلْبٍ» گردد.

۶. بدیهی است آنچه بیشتر، نهاد مدّاحی را مطرح کرده و سبب ظهور آن بوده و

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۸

هست، مدح اهل بیت علیهم السلام و خصوصاً ذکر مصیبات آن بزرگواران و به ویژه مصایب حضرت سیدالشهداء علیه السلام است که حتی در مختصرترین صورت آن موجب بهشت می‌شود ولی مدّاحان گرامی از اشعار با معنی و معرفت بخش در ستایش و حمد و تذکر نعمت‌های الهی و پندآموز برای بیدار کردن مردم و رشد عقلانی و فکری آنها استفاده نمایند.

در پایان این نکته را باید متذکر شوم که مجالس عزاداری حضرت خامس آل عبا سیدالشهداء علیه السلام از برترین و با فضیلت‌ترین مجالسی است که فرشتگان الهی در آن افتخار حضور دارند و برای کسب تقرب مقام در آن شرکت می‌نمایند. مجلس عزاداری و مدّاحی، دارالشفاء و دارالرحمه و دارالبر که می‌باشد و بیماری‌های روحی را شفا می‌دهد.

حضور در این مجالس و عرض ادب به ساحت مقدّس سالار شهیدان را غنیمت شمرده و بر آن شاکر و سپاسگزار باشید.

ای کاش این حقیر برای جفت کردن کفش عزاداران در آن مجلس توفیق پیدا می‌کردم و با مدّاحان و عزاداران در سوگواری و عرض ادب به محضر مقدّس ثار الله شریک می‌شدم، یا لیتنا کُنّا مَعکم فَنفوز فوزاً عظیمًا.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۴۹

فصل هشتم: احکام عزاداری

مدح اهل بیت

اشاره

باید در مدائح اهل بیت علیهم السلام از بهترین و رساترین مدایح که مشتمل بر مضامین صحیح و اقتباس از آیات و احادیث و نکات شعری ادیبانه و دور از غلو استفاده شود.

مدّاحی

س: نظر حضرت تعالی در مورد مدّاحی چیست؟ و یک مدّاح اهل بیت علیهم السلام چه خصوصیتی باید داشته باشد؟

ج: مدّاحی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام چنانچه برای خدا باشد عبادت است و اجر عظیم دارد و به همین جهت مدّاح باید اهل تقوی و مقید باشد اشعاری که می‌خواند خلاف واقع و دروغ نباشد و این عبادات را تا می‌تواند به قصد قربت انجام دهد تا از ثبوبات آن بر خوردار شود هر چند گرفتن مزد در برابر آن اشکال ندارد.

س: استفاده از عبارت عارفانه و صوفیانه در مدّاحی و ذکر اهل بیت عصمت و طهارت چون مستی و می و الفاظی اینگونه که شأن ائمه معصومین علیهم السلام مراعات نشود چه حکمی دارد؟

ج: البته عبارات و الفاظ مختلف است و بطور کلی نمی‌توان همه را ممنوع شرعی شمرد ولی باید دقت شود که همه مشروع و محتوای اسلامی داشته باشد و عرفان مآبی اصطلاحی ترویج نشود که ترویج باطل و حرام است.

س: آیا مدّاحی که با ریتم موسیقی و به صورت غناء خوانده شود حرام است؟

ج: بلی، حرام است.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۰

سرودن شعر در عزاداری

س: ثواب شعر گفتن در مدح ائمه اطهار علیهم السلام و حضرت علی علیه السلام چیست؟

ج: اشعار در فضیلت و مدائح اهل بیت گفتن برای رضای خدا عبادت محسوب می‌شود و اجر و پاداش آن را خدا می‌داند.

استفاده از منابع تاریخی در عزاداری

س: آیا کتاب روضه الشهداء مرحوم ملا حسین کاشفی و اسرار الشهاده ملا آقای دربندی مشحون از دروغ است و حادثه کربلا به کلی در این دو کتاب تحریف شده است؟

ج: ما حق نداریم نویسندگان دو کتاب مذکور را متهم به تحریف حادثه کربلا کنیم و نسبت به مطالبی که در آنها درج شده آنچه

که محتمل الوقوع است و دلیلی بر عدم آن نباشد نمی‌توان انکار کرد و نویسنده را رمی به دروغ نویسی کرد و آنچه که بر حسب دلیل مقطوع العدم باشد نباید نقل شود.

س: مقاتل معتبر اعم از فارسی و عربی از نظر حضرت تعالی کدامند؟

ج: از کتبی که در این زمینه مرحوم محدث آقای شیخ عباس قمی تألیف نموده‌اند و همچنین کتاب قمقام زخار و کتاب مقتل مرحوم مقرر و کتاب ابصار العین و مقاتل معتبر دیگر استفاده نمائید.

دریافت وجه در عزاداری

س: آیا دریافت وجه توسط مدّاح و سخنران در عوض مدّاحی و سخنرانی در مجالس عزاداری سیدالشهداء علیه السلام جائز است؟
ج: جائز است.

خواندن روضه های بی اساس

س: خواندن روضه بی‌اساس و یا مشکوک توسط مدّاح و یا سخنران، چه حکمی دارد؟ و اگر روضه بی‌اساس خوانده شد ما چه وظیفه ای داریم؟

ج: خواندن روضه بی‌اساس جائز نیست و خواندن چیزی که احتمال صحت آن را

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۱

می‌دهد اگر به صورت احتمال باشد اشکال ندارد. شما در هر موردی دروغی از ذاکرین بشنوید بر حسب وظیفه شرعی باید به عنوان نهی از منکر به خود گوینده تذکر دهید. و همه مکلفین این وظیفه را دارند ولی تشخیص اینکه آنچه گوینده می‌گوید دروغ است کار هر کس نیست، باید اهل فنّ بگویند.

گریه در عزاداری

س: معنی حدیث «من کشته اشکم» به نقل از امام حسین علیه السلام چیست؟

ج: معنای حدیث این است که مردم برای کشته شدن من گریه کنند تا به ثوابهای عظیم نائل شوند.

س: گفته می‌شود که حتماً باید آخر مجلس ذکر مصیبت خوانده شود و در این ذکر مصیبت هم نه تنها مردم اشک بریزند که تنها اشک ریختن قبول نیست، باید مجلس از جا کنده شود و شور و واویلا پیا پیا شود، آیا این نقطه ضعف نیست؟

ج: بر حسب روایات ائمه معصومین علیهم السلام گریه بر آن بزرگوار اجر دارد و گریاندن نیز اجر دارد.

صدای گریه بانوان

س: آیا گریه کردن زنها با صدای بلند در مجالس عزای ائمه اطهار علیهم السلام بخصوص حضرت سید الشهداء علیه السلام با توجه به حضور مردان نامحرم در مجلس مذکور جایز است.

ج: اشکال ندارد.

گریان چاک زدن در عزاداری

س: چاک زدن گریان و بر سر و صورت زدن در مصیبت امام حسین علیه السلام حکمش چیست؟

ج: بر سر و صورت زدن و گریبان چاک زدن در مصیبت آن بزرگوار مانعی ندارد.

خراشیدن صورت در عزاداری

س: خراشیدن صورت در مراسم عزاداری برای امام حسین علیه السلام در حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۲ صورتی که منجر به کنده شدن پوست و گوشت و جاری شدن خون شود، چه حکمی دارد؟
ج: در صورتی که ضرر معتد به نداشته باشد اشکال ندارد.

با برهنه راه رفتن در عزاداری

گل به صورت مالیدن در عزاداری
س: بعض عزاداران به خود گل می‌مالند و یا اینکه با پای برهنه راه می‌روند و بعضی دیگر طوری دیگر، این نحوه عزاداری چه حکمی دارد؟
ج: اینگونه امور که در محلّی طبق مرسوم آن محلّ به وسیله آن اظهار حزن و عزا نسبت به سالار شهیدان علیه السلام بنمایند چنانچه ضرر معتد به به جسم و جان نداشته باشد مانعی ندارد.

علامت کشی و چهل چراغ کشی در عزاداری

س: حکم علامت کشی، چهل چراغ کشی و علم گردانی و نخل گردانی چیست؟
ج: اشکال ندارد.

برداشتن نخل در عزاداری

س: در ایام عاشورا هیئت ضریح مانندی بنام نخل ملّیس به اُلبسه و اُقمشه فاخره می‌کنند به اسم و رسم عزاداری، پوشیدن نخل و برداشتن آن چه صورتی دارد؟
ج: عزاداری در ایام عاشورا بر حسب متعارف بلاد مختلف است. و آنچه در هر بلدی مصداق عزاداریست مانعی ندارد. حسین الطباطبایی (آیه الله العظمی بروجردی).
بسم الله الرحمن الرحیم. بلی آنچه آن مرحوم اعلی الله مقامه در پاسخ سؤال مذکور فرموده اند مورد تأیید اینجانب است.

سینه زنی

س: آیا ملاک صحیح در کیفیت عزاداری و سینه زنی به همان شیوه‌ای که در حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۳ قدیم مرسوم بوده می‌باشد؟ و سینه زنی به صورتی که دور می‌چرخند و به هوا می‌پرنند، چه حکمی دارد؟
ج: اشکال ندارد ولی مواظب باشید وقار عزاداری مخدوش نشود.
س: آیا سینه زنی به صورتی که از کمر به بالا برهنه شوند، در عزاداری سیدالشهداء علیه السلام جائز است؟
ج: اگر مستلزم نگاه نامحرم نباشد اشکال ندارد.

س: سینه‌زنی، زنجیرزنی و یا به سر و صورت کوبیدن در خلال عزاداری، به طوری که موجب صدمه، مثلاً مجروح شدن و یا سرخ شدن می‌شود، چه حکمی دارد؟
ج: اگر صدمه معتد به نباشد اشکال ندارد.

شمع روشن کردن در شام غریبان

س: آیا شمع روشن کردن در شام غریبان سیدالشهداء علیه السلام را بلااشکال می‌دانید؟ آیا از مصادیق بدعت نمی‌باشد؟
ج: اشکال ندارد.

پوشیدن لباس مشکی در عزاداری

س: آیا کراهتی که در پوشیدن مشکی وجود دارد، لباس عزای امام حسین علیه السلام را هم شامل می‌شود؟
ج: پوشیدن لباس سیاه در عزای امام حسین علیه السلام مانعی ندارد و مطلوب است.
س: آیا نماز خواندن با لباس سیاه مربوط به عزاداری امام حسین علیه السلام مکروه است؟
ج: پوشیدن سیاه در عزاداری سالار شهیدان مطلوب است و کراهت آن جبران می‌شود انشاء الله.
س: آیا وجوهی که برای منظوری خاص در عزاداری هدیه شده است را می‌توان در موارد دیگری غیر از آن در عزاداری مصرف نمود؟ مثل پولی که برای غذا و اطعام داده شده و به مصرف خرید لوازم برسد.
ج: صرف وجوهی که مصرفشان مورد خاص است صرف آنها در غیر آن مورد حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۴
جائز نیست و موجب ضمان است.

نذورات عزاداری

س: آیا اطعام و نذری که برای ظهر عاشورا در نظر گرفته شده، را می‌توان در روزهای دیگر محرم انجام داد؟
ج: در فرض سؤال نمی‌توان اطعام و نذر مذکور را در غیر روز عاشوراء انجام دهد.

رفتار محترمانه با عزاداران

س: در بعضی از مجالس عزاداری سالار شهیدان علیه السلام، که پر جمعیت نیز می‌باشند، دیده شده که خادمین و نوکران ابی عبدالله علیه السلام رفتار ناشایستی با عزاداران دارند، (مثل فریاد زدن، هل دادن و غیره). این کارها از حیث شرعی چه حکمی دارد؟
ج: باید با عزاداران و مستمعین با ادب رفتار و با احترام پذیرائی شود.

استفاده از عکس و پوستر منسوب به ائمه علیهم السلام در عزاداری

س: حکم خرید، فروش، چاپ، تولید و یا استفاده از عکس‌ها و پوسترهایی که از چهره‌ی ائمه معصومین علیهم السلام تهیه شده است، چگونه است؟
ج: عکس‌ها و پوسترهای مذکور، مستند صحیحی ندارند خوبست از این عمل خودداری شود.

قضاء شدن نماز و عزاداری

س: وظیفه‌ی کسی که مردّد است بین انجام امور عزاداری تا دیر وقت یا مراقبت بر قضاء نشدن نماز صبح چیست؟
ج: مراقبت بر قضاء نشدن نماز واجب است.

اقامه نماز جماعت در حین عزاداری

س: در ظهر عاشوراء عزاداران برای انجام شور زدن و اظهار حزن آماده می‌شوند و از طرفی وقت نماز ظهر شده، وظیفه مؤمنین چیست؟

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۵

ج: در این موارد باید جمع بین اغراض و کسب فضائل نمود هم برنامه‌ای را که به صورت عزاداری برای حضرت سید الشهداء علیه السلام انجام می‌شود، انجام دهید و هم نماز ظهر را در اول وقت بجا آورید.

تهیه ضریح برای عزاداری

س: در بعضی از مراسم‌ها، شبیه‌سازی انجام می‌شود، مثل درست کردن قبر مطهر حضرت زهرا سلام الله علیها و تابوت حضرت رقیه سلام الله علیها، حکم آن چیست؟
ج: اشکال ندارد.

حضور زنان در عزاداری

س: ایستادن و نگاه خانم‌ها به مردانی که در خیابان مشغول عزاداری هستند، چه حکمی دارد؟ و مسئولیت دست اندرکاران هیئت در این مورد چه مقدار است؟

ج: نگاه کردن خانم‌ها به بدن مردان نامحرم جائز نیست.

س: راه رفتن خانم‌ها در عقب دسته‌های عزاداری چه حکمی دارد؟

ج: اگر مستلزم ارتکاب معصیت نباشد اشکال ندارد.

ایجاد ترافیک با عزاداری

س: راه اندازی دسته‌های عزاداری در کوچه و خیابان که باعث ترافیک می‌شود، چه حکمی دارد؟

ج: در حدّ متعارف ایام عزاداری اشکال ندارد.

س: گاهی از اوقات اقامه عزاداری در کوچه و خیابان موجب می‌شود تا راه اتومبیل‌ها نسبت به مسیر اصلی کمی دورتر شود، آیا

چنین کاری جائز است؟

ج: حرکت دسته جمعی عزاداری اشکال ندارد.

عزاداری و اذیت همسایگان

س: مجالس عزا و هیئاتی که به صورت چادر و خیمه در کوی و خیابان بر پا

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۶

می‌شود، اگر یکی از همسایه‌ها رضایت به این کار نداشته باشد، اقامه مجلس و شرکت در آن چه حکمی دارد؟

ج: این مراسم را به نحوی برگزار کنند که موجب زحمت عابرین و همسایگان نشود.

س: تولید سر و صدا؛ کم یا زیاد، در صورتی که از رضایت همسایگان بی اطلاع هستیم، چه حکمی دارد؟ (آیا رضایت تک تک

همسایه‌ها کافی است یا اغلب ایشان)؟

ج: عزت و شأن این برنامه خود مقتضی است که مزاحمت فراهم نشود.

تغییر در نحوه عزاداری

س: اخیراً مطرح می‌شود که مجالس عزاداری خصوصاً عزای سید الشهداء علیه‌السلام از صورت سنتی و روضه‌خوانی و استماع آن

خارج بشود و به صورت نمایشی و تئاتری در آمد و تبدیل گردد، بلکه به این مطلب اصرار می‌ورزند. نظر مبارکتان را بیان فرمایید.

ج: اقامه عزای آن بزرگوار باید با ذکر مصائب از کتب صحیحه معتبره توسط ذاکرین و علماء محترم با حفظ شئون اهل بیت علیهم

السلام باشد و به صورت تئاتر در آوردن معمولاً خالی از لوازم فاسده و غیر شرعی نیست.

س: پیشنهاد می‌شود هدایا و نذورات مربوط به عزاداری که برای روضه خوانی حضرت سیدالشهداء علیه السلام تعیین می‌شود در

قالب عزاداری‌های نمایشی و تئاتری مصرف شود، آیا این امر جایز است؟

ج: هدایا و نذور باید در مواردی که مورد نظر هدیه‌دهنده و نذر کننده است مصرف شود و به همان روش معمول سابق باشد.

تعزیه خوانی

س: نظرتان راجع به تعزیه خوانی چیست؟

ج: تعزیه و شبیه خوانی اگر مشتمل بر آلات لهو از قبیل طبل و شیپور و صنج نباشد و اشعار دروغ و غنا نخوانند و مرد لباس زن

پوشد اشکال ندارد.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۷

آلات موسیقی در عزاداری

س: استفاده از آلات موسیقی مثل طبل، صنج، نی، ارگ و مانند آنها در خلال عزاداری چه حکمی دارد؟

ج: جائز نیست.

مردم متوجه باشند که اجر و ثواب بسیار زیادی را که بر اقامه عزای حضرت و شرکت در مراسم آن بزرگوار است با وارد نمودن

محرّمات از بین نبرند، و از هر چیزی که موجب وهن مذهب و وهن مراسم سوگواری می‌گردد باید اجتناب شود.

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۸

شب عاشورا

امشب براستی شب ما روز ماتم است

جان‌ها برنج اندر و دلها پر از غم است

این شام محنت است و یا روز رستخیز

یا خود شب وداع امام معظم است

تنها نه از زمین بفلک می رود فغان

کاندر سپهر نیز بیاشور و ماتم است

حال عزیز فاطمه امشب بکربلا

چون تار موی زینب غمدیده درهم است

امشب گر آسمان بتپد بر زمین رواست

فردا بخون تپان تن سلطان اکرم است

امشب بدشت ماریه زاطفال تشنه کام

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت ؛ ص ۵۸

بانگ فغان و ولوله تا چرخ اعظم است

ذرات عالمند در افغان و ناله چون

ای دیده خون ببار که فردا بزخم شاه

از سم اسب سرکش کفار مرهم است

افروخت تشنگی بدلش آتش آنچنان

کاندر بهشت چشم نبی باز چون یم است

شرط است تار هستی از این غم گسیختن

آن را که تار عشق حسینیش محکم است

(صافی) بس است خاک بسر کن که درغمش

ول کسی که خاک بسر کرد آدم است [۲]

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۵۹

نور چشمان زهرا

حسین ای همایون همای سعادت

حسین ای شه ملک صبر و شهامت

فروغی ز نور تو خورشید رخشان

ز دریای جود تو کوثر حکایت

توئی نور چشمان زهرا و حیدر

گل احمر بوستان رسالت

پیا از قیام تو شد پرچم دین

نگون گشت اعلام کفر و ضلالت

رهاندی تو اسلام از چنگ اعدا

فزودیش بر عزت و بر کرامت

جوانمردی و غیرت و همّت تو

ز ناموس دین کرد الحق حمایت

الا ای ولی خدای یگانه

خداوند اقلیم مجد و جلالت

فدا کرد اندر ره دین و قرآن

جوانان و یاران بکوی شهادت

گذشتی هم از اکبر و هم ز اصغر

ز عباس آن درّ بحر شجاعت

زیاران نامی و صحب گرامی

شهیدان شمشیر اهل شقاوت

همه عاشقان وفا و حقیقت

همه رهروان طریق ولایت

همه دشمن ظلم و طغیان و عدوان

همه پیشتازان راه دیانت

حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام مصباح هدایت، ص: ۶۰

شعار همه بود الله اکبر

مرام همه قطع نخل غوایت

بنازم بآن همت عالی تو

به آن صبر و ایمان و آن استقامت

تو اعلام کردی بآزاد مردان

که مرگ است با سر بلندی سعادت

بلطف تو دارند چشم شفاعت

عصاه محبان بروز قیامت

فدای سر انور بی تن تو

که بر نیزه می کرد قرآن تلاوت

به قربان آن کودک شیر خوارت

که تیر ستم کرد او را سقایت

ایا مالک ملک حسن و معالی

ایا معدن جود، و فیض، و سخاوت

از این وضع دوران و از شدت دهر

مرا هست بردر گهت بس شکایت

سخن در جناب تو سر بسته گویم

که ابلغ بود از صراحت کنایت

(بلطفی) ببخشی اگر هر دو عالم

نباشد شگفت ای محیط کرامت

نباشد مرا بیم از نار دوزخ

بینی به من گر بچشم عنایت [۳]

[۱] (۱). مثل اینکه این شعر زبان حالشان بود

فَإِنْ تَأْتُوا بِرَمْلَةٍ أَوْ بَهْتُمْ بِبُيُوتِهَا أَمِيرَهُ مُؤْمِنِينَ [۲] (۱) اشعار از دیوان مرثی مرحوم آیت الله آقای آخوند ملا محمد جواد صافی والد مؤلف کتاب است.

[۳] (۱) اشعار از مؤلف است

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه

مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

